

## ۱- پژوهش روز .... معماری ایرانی یا معماری فرنگی

مدتهاست که کارهای فرنگی، جنس‌های فرنگی و متدهای فرنگی برای ایرانیان یعنوان الکوئی از زندگی مدرن شده است.

تابحال چندین بار با گوش خود متأسفانه شنیده اید که به شما گفته اند «این خوب نیست جون خارجی نیست و ایرانیست!» امروزه برای اینکه سعی کنیم که از لاحاظ صنعت و اقتصاد به فریبها برسیم با مبنی ذوقی کامل طرحها و روشهای آنها را هم بمعنوan یک سابل ترقی، کوکوردانه تقلید میکنیم.

اما هنوز چندان غافری در دنیای هنر و معماری هستند که بازگشت به روش ایرانی را ترجیح میدهند که غربی‌زدگی را متزود میدانند،  
که حالت «اورزانس» در عباره زبانقلید از فرنگی را توصیه میکنند،  
که ادعای میکنند اصلاً زندگی فرنگی، هند و روش فرنگی برای ایران  
غلط است، که امروز هر کس بخواهد خود را در این همبارزات شریک  
بماند و از این گروه عقب نیفتد، باید کلماتی از قبیل طرح ایرانی  
برای زندگی ایرانی، برای بدبختی باشد. اما سوال بزرگ این است که  
این طرح ایرانی برای زندگی ایرانی چیست؟ آیا منظور اینهایست که  
مادر گذشته داشته‌ایم و امروز باید به آن برگردیم؟ آیا منظره کاشیکاری  
های دوره صفویه اصفهان است که تورستها ما را به آن میشانند؟  
آیا طرح و استیل و روش معماري چیزی بوده است که فقط در قرون  
گذشته در نمایهای که امروز ما آنها را بسیار زیبا میناعیم وجود داشته  
است.

و آیا شایدیم آنها که از طریق راههای ایرانی صحبت میکنند طرح های تخت چمشید را در نظر دارند؟ آیا اگر به گذشته پرافتخار بناهای قدیم ایران که بیش از دو هزار سال پیش ساخته شده است نگاه کنیم طرح حقیقی ایرانی را در آنجا پیدا میکنیم یا اینکه طرح اصلی ایرانی را در جای دیگر میتوان پیدا کرد. نه آنجا که ستونهای بلند مرمرین و دیوارهای ضخیم و شهری باعظامت وجود داشته است، بلکه در جایی کوچکتر و بی اهمیت تر، در دهکده های ایران. آیا وقتی ما باید معماری دهکده ها نگاه میکنیم برای انتخاب الکوی خود به معماری کوهپایه ها یا پشت بامهای مسطح آن نگاه کنیم و یا اینکه گنبد های دهکده های کنار کویر را انتخاب کنیم؛ گنگره جهانی معماری که دو سال قبل در اصفهان تشکیل شد با گفتش انسها و بحث های طولانی خود درباره معماری باستانی ایران یا استیله اهای که به عنوان مدل این معماری را به ما می شناساند، بحالی ترسید و حتی در این گنگره که مغز های منفک و هنرمندان معمار جمع شده بودند ما جواب قاطعی برای آنچه که در بی آن میگشتیم پیدا نکردیم.

پس حالا که معماری ایرانی محدود به کیمیکردن از روی آنچه درگذشته وجود داشته است نیست. شاید ما بتوانیم آنرا به خود دیگری شرح بدهیم شاید بتوانیم بگوئیم معماری ایرانی، معماری است که جو ابیکوی موقیت افکاری این کشور و نوع زندگی مردم آن است.

ولی ناگهان ما باستوال بزرگی روپر میشوند و آن این است که این نوع زندگی ایرانی چیست؟ شما و قمی این موضوع را با هر کس در پیش میکشید سرش را به علامت دنائی کامل تکان میدهد و لی و قمی از این دیدگاه خود را برداشتند. آنها از این دیدگاه خود را برداشتند.

ر او پیش-بینیه بفریادن سرخ پنهان در چوتاب آن پار میگاهد.  
معنی زندگی ایرانی بدون شک بیش از یک نوع توالی مخصوص  
باشد بالکن در هر آیاتمن ممیباشد. زندگی ایرانی یک نوع رابطه  
است با طبیعت، یک نوع احساسی است که در مقابل فضاهای  
معینی بوجود میآید، ارزشی است برای حرب و حفاظت، و رسوم  
آدابی است که در زندگی خانوادگی اصیل ایرانی وجود دارد.  
ما بدون شک میتوانیم خیلی بیشتر به آداب و رسوم و طرز زندگی  
ایرانی پی ببریم اگر آثار شاعران و فلاسفه گذشته خودمان را  
نمطالعه کنیم، تا اینکه به آثار معماری قدیم خود نگاه کنیم. و در

بنابراین این رابطه نزدیک بین فرهنگ و طرز زندگی و معماری است که مارا وادر می‌کند که برای روشنها و مسائل معماري ایرانی را محلهای ایرانی پیدا کنیم. وقتی که معماری غربی به خاطر مدن بودن و پیشرفت وسائل معماري کورکورانه تقلید می‌شود، باجای دادن زندگی ایرانی در معماري غربی مجبور خواهیم شد که راهها و متدهای زندگی غربی را دنبال کنیم. درست است که تقلید از معماري فرنگی کار درستی نیست، البته بهمان اندازه هم کیهی از معماري باستانی عالم است. درست همانطور که معماري دوران صفویه به خاطر راه و روش زندگی آنروز یا معماري دوره خامنه‌یان کاملاً متفاوت است اما معماري امروز ایران تین باید باره و روش و احتیاجات طرز زندگی امروز ایرانی مطابقت داشته باشد.

المه در معماري باستانی ایران موردهای بسیاری هستند که میتوانند الهام بخش طرح‌های امروز باشند. غذاها و فرمهاشان که برای مقابله با آفاتابهای سوزان تاستانی ساخته شده‌اند، رنگهایشان که محیط زیست روح انسانی را درکنار کویرهای خشک و لسمیز رع بوجود آورده‌اند، نقش‌ونگارهای خوش‌منظمه که سطح‌های صاف‌را می‌پوشانند و روشهای تهیه‌ها که کوچکترین نسیمی را از خارج به داخل می‌آوردند... اینها وصفه‌ها موارد دیگر هستند که همیاًست به تعمیق مطالعه و درک شوند تا سلام بخش هادر بوجود آوردن معماري امروز باشند. بسیار اتفاق اتفاذه است که برای اینکه گذشته خود را دو باره زندگی کنیم، گذشته را از چشم تویریت‌ها دیده‌ایم و درهای افتاده‌ایم که خودمان برای خودمان ساخته‌ایم. خودرا از یک طرف با کارهای از قبیل هتل شاه عباس اصفهان که بقول راهنمای توریستی «محیط یک معماري حقيقی و اصلی ایرانی را دارد» مصور کرده واز طرف دیگر باشناختی مثل هتل هیلتون تهران یا استیل سردرگم بین المللی که فقط برای خارجیها ساخته شده است تا خود را در محیط خانه و وطن خود حس کنند محدود بینیم، البته هردوی این نمونه‌ها در جای خود ارزش و قیمت خاصی را دارند که هم بهترهای خاطرات اراضی می‌کنند وهم اینکه صنایع توریستی را بالا مینمایند. اما تردیدی نیست که ما نمیتوانیم هیچ‌گدام از این دو را بعنوان الگویی برای معماري خود بکار ببریم. چه آنچه باصطلاح معماري باستانی ما را زنده میکند و چه آنچه در همه‌جای دنیا ساخته می‌شود.

آیا روش و متدهای ایرانی را درکدام نقطه ویا منطقه‌ای میتوانیم پیدا کنیم؟ نزدیکترین جیزی که می‌توانیم به آن اشاره کنیم و آنرا بعنوان یک هنر مدن که بدل شنیدگران ایرانی تغییر داده شده، بهساب بیاوریم در راهی آهنی است که در همه‌جای شهرهای خودمان می‌بینیم. المته صحیح است که در راهی آهنی در اصل کیهای از کارهای اروپائی است ولی نقش و نگارها و استیلهایشان که بیرون شک اروپائی نیستند در هزاران در وه ا نوع متفاوت به کار بردند که زاده فکر و روح یک عدد شنیدگار ایرانی است که تغییری از استیلهای مدن را بوجود آورده‌اند.

شاید به خاطر اینکه این صنعتگاران تحصیلکرده و آشنا باشند های جهانی نبوده‌اند توانسته‌اند تعبیری از استیلهای ب ACS طراحی کرده و آشنا بهمنهای ایرانی پکنند (هر چقدر هم که این کار کوچک و ناجیز به نظر برسد) در حالیکه هنرمندان و معماران تحصیلکرده و آشنا بهمنهای مدن غربی بیشتر اتفاق می‌افتد که کیهی پکنند تا تعبیر. البته شاید انصاف نباشد که گروههای تحصیلکرده و آشنا بهمنهای جدید را در مقایسه با افراد ساده طبقه متوسط مقصرا دانسته ویا می‌ارزش کنیم به خاطر اینکه درست همین گروههای ساده طبقه متوسط و تازه پدواران رسیده هاستند که کورکورانه از غرب تقلید می‌کنند این‌ها هستند که بیشتر نصور می‌کنند چون فوه خریدشان بالا رفته است و یا چون صنایع از غرب به آینجا می‌آید، تقلید لیاس، هنر و معماري و همه‌چیز دیگر از غرب نشانه ترقی است.

اگر بخواهیم بدانیم که از لحاظ معماري این موضوع چه

تأثیراتی را به وجود آورده است کافیست که نگاهی به خانه‌ها و آثار تمدن های بناساز و باصطلاح مدن بین‌داریم، که دفعه‌ها نوع مصالح ساخته‌مانی گرفتاریت را بنام مدن بودن در روی آن بکار برده‌اند در حالیکه نقشه و فضاهای داخلی و محیط‌هایی که برای زندگی در آنها تعیین شده است اکثر آن رشت و غیر قابل استفاده است.

مثله و مشکل بزرگ از همین‌جا شروع می‌شود که وقتی شهر های بزرگ مثل تهران از این هنر به اصطلاح مدن غربی استفاده می‌کنند، شهرهای کوچک نیز کورکورانه و به حالت دست دوم از این استیلهای کیهی می‌کنند تا این بدهند که آنها نیز در این پیشرفت و ترقی عقب نیافرداشند. و قبل از اینکه متوجه بشویم این دامغان اسنایکری از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچکتر و کمی بعد نیز به دهکده‌های ما که آخرین باره سانده معماري اصلی و دست نخستورده ایران هستند نفوذ خواهد کرد.

المه مدن بودن و هنری بودن کلمات زیستند، ما نیز باید همکام بازیهای معماري روز خودمان هنری و مدن باشیم و جلو برویم ولی به خاطر اینکه بتوانیم معماري مدن ایرانی را به وجود بیاوریم باید به گذشته خود نگاه کنیم، باید هنر و معماري و ادبیات گذشته خود را با عمق زیاد مطالعه کنیم تا کارهای جدید خود را بر روی منطق و الیام از آنچه که بوده است و آنچه که امروز لازم و منطقی است بوجود بیاوریم.

چقدر خوب می‌شود که افلا برای یکباره هم که شده دیگران معماري مدن را تقلید می‌کنند.

# بحث روز... نقش آرشیتکت در ایران

## بحث روز.... نقش آرشیتکت در ایران

این حقیقتاً وظیفه هاست که کارفرمایان را روش کنیم که چطور کارهایشان را بر عکس و بر اساس فرضیات غلطی شروع می‌کنند. با به عنوان مثال کارفرمایی را در نظر بگیرید که میخواهد درینک صرب الاجل نقشه‌اش کشیده شده و اجاره ساختمان برایش گرفته شود! برای این شخص تنها چیزی که می‌تواند مفهوم و معنی داشته باشد آن است که در روی زمینش بی‌های ساختمان را بکنند و هر قدر که عملیات ساختمانی اش جلوتر میرود تازه متوجه می‌شود که درباره بنای خودش چند کم میدانسته و چقدر از درک ساختمان تمام شده خودش عاجز بوده است. بهمین مناسبت هر چقدر کارجلوتری دود، او بیشتر به طرح و نقشه وارد می‌شود، و دلخواهانه و بی‌منطق قسمت‌های مختلف را تغییر میدهد. و تازه در همه‌جا شایست می‌کند که چند ساختمانش گرانتر از آنچه فکر می‌کرد تمام شده است و چقدر بیش از آنکه فکر می‌کرد طول کشیده است.

اگرما حقیقتاً میخواهیم که پروژه‌ایمان موفق باشند، چاره‌ای جز این نیست که کارفرمای را روش و در بعضی اوقات نیز تریب کنیم و به آنها نشان بدهیم که هر چقدر وقت و دقت بیشتری در موقع طرح و نقشه نداشته باشند پروری پرورش بگذارند و هر چقدر بدانشون بر نامه صحیح و منطقی صحیح بیشتر وقت کنند، هنوزها مصالح ساختمانیشان را ارزانتر و بهتر و زودتر میتوانند تهیه کنند، بلکه بر نامه کارشان زودتر و با قیمت کمتری پایان خواهید یافت و ما آرشیتکتها نیز خود با درست‌گرفتن کشش نظری طرح و اجرای میتوانیم خود را به حق معمار بخوانیم که به آن عنوان شناخته شده‌ایم.

### نقش آرشیتکت و دولت

رابطه یک آرشیتکت با دولت در دو مورد قابل بحث است، اول آنکه آرشیتکتی که به عنوان مهندس مشاور در بخش خصوصی کارهایی را برای دولت انجام می‌دهد و دوم معماری که مستقیماً به عنوان کارمند دولت کار می‌کند.

مسئله بسیار بزرگی حرفه معماری را در خطر انداخته است و آن هم بوجود آمدن کارهای قوی و بزرگ در دستگاههای دولتی و شهرداریها و بادارهای وابسته به آنهاست. بوجود آمدن این کارهای قوی، مهندسین مشاور کوچک را یک بیک ازبین میبرد و غیر از چند دفتر مهندسی مشاور بزرگ امکان رقابت را در حرفه معماری غیر ممکن می‌نماید. در عین حال که ما دخالت دولت را به عنوان سرپرست در پروژه‌های دولتی ضروری ولازم میدانیم به همان انداده نیز فکر می‌کنیم که دولت باید مانند دیگر بر نامه‌های خود که مشوق‌بخش‌های خصوصی بوده است، کارهای معماری و ساختمانی خود را به معماران و مهندسین مشاور واگذار کند. طرحهای پروژه‌ها بدون شک وقتی می‌توانند بهتر و موفق‌تر اجرا شوند که از کارهای فورمالیته دولتی به بخش‌های خصوصی واگذار شوند.

امروزه در تمام دنیا نشان داده شده است که کارهای معماری که بست ادارات دولتی انجام شده است کارهایی در سطح متوسط و یا بالاتر بوده است، و امروز که کشور مابا گامهای بلند به جلو میرود و پروژه‌های بسیاری توسط دولت انجام می‌آید، بدون شک دولت نمی‌تواند از این قانون و استاندارد بین‌المللی متناسب باشد. دولت در کشور ما عنوان بزرگترین کارفرمای را چه از لحاظ پروژه‌های عظیم و چه از احاطه کثیف و مقدار کار دارد و هم‌چنانکه در صنایع گذشته از اینکه مشوق و بوجود

مده است که نقش آرشیتکت چه در دستگاههای دولتی و چه در بخش‌های خصوصی بیشتر شبیه یک پادو بوده است که از ترس اینکه مبادا کارش را ازدست بدهد اجازه میدهد که مانند یک نقشه‌کش معمولی با او رفاقت شود. یک آرشیتکت عموماً کار زیادی را برای کان انجام میدهد به‌همین‌آینکه بی‌او پروژه‌ای رجوع بشود و در بایان دربرابر کارفرماینها در نوع فرادرادی که با او مبینند سرتسلیم فرود می‌آورد بلکه بسیار اتفاق می‌افتد که طرح وایده پروژه را نیز به عنوان تحمیل از کارفرمای قبول نمایند و باعده اینها آرشیتکتها به‌مندرت میتوانند حق‌الزحمه خود را به روش صحیحی دریافت کنند.

ما که تحصیل کرده ایران و یا خارج هستیم و میباشیست که آیا در حقیقت این نظام و اصول درست در حرفه ما وجود دارد؟ و اگر جواب منفی است آیا بیش از هر کس دیگر نمایند خودمان را مقصر بدانیم؟ ما چطور میتوانیم از مردم انتظار داشته باشیم که برای ما و حرفه ما احترام فائل شوند در حالیکه خودمان هنوز ارزشمند را معین نگردد ایم، و هنوز توانیم درست و صحیح وجود ندارد که ارزش حقیقی مهندس معمار را حتی از نظر استانداردهای دولتی معین نکند. مقایسه ارزش یک مهندس معمار که از دانشگاههای تهران با درجات مختلف فارغ‌التحصیل می‌شود با یک آرشیتکت دیگری که در خارج تحصیل کرده و عضو آکادمی آرشیتکت‌های انگلستان است و یا مهندس دیگری که با تپش دکترا از یک دانشگاه ایتالیائی فارغ‌التحصیل می‌شود و یا معماری که در آمریکا به عنوان یک آرشیتکت رسمی ثبت شده و عضو آکادمی آرشیتکت‌های آمریکا شناخته شده است همکی نامعلوم و در یک ردیف فرار گرفته‌اند. شاید تنها عنوان یک آرشیتکت و یا مهندس معمار که روی یک دیبلم نوشته شده و به دیوار آویخته شده است ارزش چندانی نداشته باشد و این معلومات و تجربه و هنر یک آرشیتکت است که حقیقتاً موقعيت اورا معین نمی‌کند.

روزی که ما بتوانیم خودمان درین خودمان استانداردهای معینی را قبول کرده و رسماً در همه‌جا آنرا اعلام کنیم و به آن پایه‌بند باشیم در آن وقت است که میتوانیم مطمئن باشیم که حق‌الزحمه و حقوقمان فقط با منت و مرحمت کارفرمای داده نخواهد شد. شاید در آن روز بتوانیم با آموزش به صاحبکاران خود نشان دهد که دفاتر ایادی دلخواه و بی‌منطق آنها نه تنها توهینی به حرفه معماری است بلکه ضرر و نتیجه بدانسته مسئله‌ای به خود آنها برخواهد گشت.

اگر ماقریتی بخواهیم که به حرفه خود خدمت کرده و آنرا از این بازماندگی نجات دهیم، باید بدون شک اساس و اصول حرفه خود را به کارفرمایان بیاموزیم تا بتوانیم با آنها بر احتی کار کنیم. این درست نکته‌ای است که تابحال در ایران شروع شده است برای آغاز هنوز هم در نیست. اگر مردم تنها فرقی که بین یک آرشیتکت و یک صاحبکار هر دو به عنوان طراح و سازنده یک بنای دانند ایشت که آرشیتکت می‌دانند چطور خطکش و نقاله بکار ببرد.

بسیار اتفاق می‌افتد که کارفرمایی یعنی یک آرشیتکت می‌اید که در دست هالکوت زعین بزرگی دارد و به مهندس معمار می‌گوید که یک نقشه شهرسازی برای این زعین به من بدده! این زعینی است که من همه کارهایش را تمام کرده‌ام و در حال حاضر بیشتر خیابان‌کشی‌هایش را انجام داده‌ام.

بی تردید عده این تونهایان بسیار کم است و اینها فقط در خانواده های ممکن است باشند که آن خانواده یک آرشیتکت دارد .  
همین گوکان قردا بزرگ می شوند و کار فرمایه ای آینده خود را  
وهم حر فهای ما را تشکیل می دهند. پنا بر این به خاطر خدمات به محیط زیستی که قردا برای خودمن بوجود می اوریم و برای خدمت به مکاران وهم حر فایه ایمان سه می از مستوی لیست را تا شنک پیدست بگیریم و به این تونهایان خود را خودمن را معرفی کنیم .  
ما کلاسهای موسیقی، نقاشی، و خطاطی در مدرسه های ایمان زیاد دیده ایم ولی آیا عر گز در باره کلاسی به عنوان شناخت هماری شنیده اید؟  
این وظیفه هر معمار است که حداقل سالی یکباره به دوستانها و پا دبیرستانی پرورد و برای دانش آموزان صحبت کند. چقدر خوب است که هن آرشیتکتی که مدرسه ای را طرح و اجراء می کند بعد از افتتاح مدرسه به آنجا رفته و برای شاگردان شرح پیدهد که این مدرسه چطور طرح و ساخته شده است و دانش آموزان در این حال نه تنها به ارزش مدرسه و شهری که در آن زندگی می کنند پیشتر بی میرند بلکه هم چنانکه بزرگ می شوند با کار و ارزش کارهای یک معمار آشنائی و پیدا می کنند و شاید همینها قردا کار فرمایه ای روشن فکر و فهمیده تری باشند که ارزش در ک معماری و همکاری با معماران را وسیله بوجود آوردن بنایه ای بهتری بدانند.

## نقش آرشیتکت به عنوان عضو انجمن آرشیتکت‌ها

ما هم مانند همه کشورهای دیگر این جمیع نشان انجمن آرثیتکنها داریم ولی در حقیقت تابحال نتوانسته ایم گروهی را بوجود بداریم که همسدا و قوی باشند تا توسط این قدرت صدایمان به خوبی شنیده شود.

اگر ما باینچه آرشیتکتها نیز و بدحیم و بیکاراییم که به عنوان  
نماینده‌ای از طرف هاساختیت پنکده، این انجمن هیئت‌واند سازنده و آموزنده  
کارفرمایان امروز و آینده‌ها باشد، میتوانند نقش آرشیتکت را در مقامات  
و پروژه‌های دولتی قویتر کنند، و بدون تردید می‌توانند ارزش و هوقيت  
حرفه ما را والاتر سازد. یک انجمن متعدد و نیز وعند آرشیتکتها در حل  
همه این مسائل که ها در این سری مقالات از آن صحبت کردۀ ايم می-  
تواند مؤثر و مفید باشد. عین انجمن می‌تواند هدایت‌کننده حرفه ما  
برای آینده بوده و باما زبان و سیستم ساختمانی بین المللی را بیاموزد. می-  
تواند مشوق همکاری آرشیتکتها با یکدیگر و وجود آوردن تیمی قوی از  
آرشیتکتها و بیمانکاران باشد که بر ورثه‌های موفق تری را به کاربران می‌باشند.  
تجویل مدھنند.

اما قدرت و ارزش يك انجمن تنها بستگي به علاقه و همکاری ناتک تک اعضای آن انجمن دارد و گو اينکه انجمن آرشيتكتها سعی میکند نماینده آرشيتكتهاي ايران باشد ولی حتى بيشتر اعضای آن اين انجمن را به عنوان يك کلوب اجتماعي و ترقیجي هيٺنامند. تعداد و نوع اعضای انجمن به مجرد رسیدن دوره انتخاب رئيس و يا هیئت مدیره يكلي تغیيرمی کند و پس از پایان آن نیز آنها که خود را برعلیه گروه انتخاب شده میدانند تا انتخاب بعدی هرگز در فعالیتهای انجمن شرکت نکرده و عده قليلی از آنها که موافق با گروه انتخاب شده هستند فقط گاهی در جلسات شرکت می گشند. هر انجمن و يا گروهی که اعضا و افراد مربوط به آن با چنین کوته فکري و حادث رفتار گشته، انجمن خود را محکوم به بی ارزشی و نایابی می نهایند.

ما ایرانیها شاید از لحاظ امنی اندی در دنیا می نظری باشیم  
اما منفرد بودن در مقابل حرفة ما فلسفه‌ای قدیمه و ویوشنده است و ما  
به تنها هی هرگز نخواهیم توانست حرفا فای داشته باشیم که موجب احترام  
وارزش اجتماع واقع شود. ما آرشنده که تنها روزی می توانیم به داشتن  
حرفا فای با ارزش افتخار کنیم که همکی اختلاف نظرهای شخصی را کنار  
گذاشته و انسان آن را حمایت و تقویت کنیم.

آوردنده بخششای بزرگ و قوی خصوصی بوده است، حق شرکت و دخالت بخششای خصوصی را در صنایع دولتی نیز به مردم داده است، کارهای معماری و ساختمانی نیز اگر از کارهای بزرگ ک دولتی خارج و به بخش خصوصی واگذار شود بی دون شک بر نامه ها موفقتر و محصول ها برتر خواهند بود.

دولت یا بهتر بگوئیم وخت های گوناگون و یا ادارات مختلف دولتی وقتی که یه مهندسین مشاور یان خصوص های ویژه ای احتیاج دارند، خوب است که نگاهی به کشور خودمان و افراد آن بیاندازند. بنظر میرسد که امروز استخدام گردن کارشناسان خارجی برای شهرت و نمایشگری به قوت زیادی موجود است در حالی که ما در همهین کشور خودمان در حرفة های مختلف مختلف متخصص های گوناگون ایرانی های داریم، تحصیل کرده ایران یا خارج که به خوبی و شاید هم بهتر از این مقول معروف کارشناسان خارج، از عهده کار هم توائید در می باشد.

خوب است که باید هم و خواسته های پیشوای کشورمان درباره  
صنایع نگاه کنیم و آنها را در حرفة معماری نیز بکار ببریم، «کارها را  
باید به بخش های خصوصی و اتذار کرد و آنها را تشویق نمود.  
باید استعدادها و تخصص هایی را که در ایرانی موجود است  
مورداستفاده قرارداد و در جایی که تجری به و یا تخصص لازم در بخش  
خصوصی موجود نیست باید با کمک و تشویق این استعداد و  
تخصص را بوجود آورد تا کارهای ایران بdest ایرانی انجام شود.  
اگر ما اجازه دهیم که ادارات دولتی و یا مشاورین خارجی  
حرفه معماری ایران را دردست بگیرند معماری امروز و آینده  
ما بسیار فقیر و همیشه بستگی به کمک خارجیان خواهد داشت».

## نقش معمار به عنوان خدمتگزار مردم

اما معماران چنگوئه میتوانیم تشویق کنیم تا کارها از دست بخش‌های دولتی خارج و به بخش‌های خصوصی واگذار شود؛ بهترین راه حل شاید آن باشد که خود ما نیز به عنوان یک عضو یانفوذ و گیرنده تصمیم در دولت خودمان شرکت کنیم. تابحال معماران بیشتری به - عنوان یک کارمند دولت در وزارت تехنونی و یا شهرداری مشغول کار پوهدند. ولی در این موقعیت به خاطر اینکه تصمیم‌ها قبلاً و بدون اطلاع آنها گرفته شده و طرح‌ها و کارهای مربوط به حرفة خودشان به دست دیگران انجام شده اکثر آنچی بجز یک نقشه‌کش و یا مجری بر تراهمهای غیرمعنطقی دیگر انداشته‌اند.

ما احتیاج داریم که در حرفة خودمان معمارانی به عنوان معاونین و رؤسای ادارات و وزارت‌خانه‌ها و اعضای انجمن شهرها و مقامات تصمیم‌گیری‌نده مملکت داشته باشیم. البته این افراد باید اشخاصی با حس مسئولیت نسبت به حرفة و وظیفه خود باشند. و از این موقعیت‌ها سوء استفاده نکنند. و بطور جدی در تصمیمات دولت برای بوجود آوردن برنامه‌ها و سوابتها شرکت جویند. حرفة‌ها میتوانند با داشتن اینکوئنه افراد در مقامات دولتشی نفوذ کامل خود را در بوجود آوردن محیط زیست بهتر برای مردم، طرحهایی بهتر برای شهرسازی و معماری و برنامه‌های درستی برای حفاظت آثار با ارزش گذشته خودمان و رابطه محکمتری بین حرفة معماری و دولت بوجود بیاورند. در این موقعیت نیز کارهایی که هریوط به حرفة‌هاست و اکنون بست دولت انجام میگیرد از بخش دولت به بخش خصوص منتقل خواهد شد.

نقشه معمار به عنوان یک معلم

بجههای ما از همان کودکی میدانند که وقتی بزرگ شدند میتوانند معلم، دکتر، ویا ناجر و افسر بشوند. اما چند نفر از همین بجهه‌ها هستند که بدانند وقتی بزرگ شدند میتوانند آرشیتکت بشوند؟ و اینکه اصلا در حقیقت چند نفر از همین بجهه‌ها هستند که اصلاً بدانند آرشیتکت کیست و یا جگار میکنند و یا اینکه عده آنها که بدانند حقیقتاً می‌باشند، حظ طرف ساخته مشهد تابان شکل در پایان چند نفر هستند؟

# بحث روز... محیط زیست

«نیتمناند» ناقیمت آن بالا برود هر چقدرهم که طرح و نقشه جامع ما صحیح باشد بدون استفاده از این زمینها بی معنی خواهد بود.

همین زمینها جمعیت‌ها را به طرز غیرمتوازنی به نقاط دیگر شهر سوق داده و بر روی هم فشرده خواهد کرد.

برای اینکه این زمینهای خالی در شهر تهران اجباراً ساخته شوند، محدوده‌های معینی را بوجود آورده‌اند که به‌جهتوجه خارج از این محدوده‌ها ساختن ممکن نیست. بهمین دلیل توازن قیمت زمین در داخل محدوده نفعو غیر منطقی بالا رفته است. بطوری‌که در بسیاری از موارد ساختن بنای راحتی مطابق با نقشه جامع غیر ممکن می‌گردد. در اینصورت شاید بهتر باشندگه شهرداری ایده جدید خود را که مالیات بستن سنگین بر زمینهای ناشیه داخل محدوده است جدی‌تر دنبال کنند.

## اثری و منابع طبیعی

حرفه معماری باید همچنین به‌ائزی که در شهر هاستفاده می‌شود و منابعی که این اثری را بوجود می‌آوردند توجه کند. بطور مثال هر چقدر که ما بیشتر بر قاعده کنیم و با توسط هاشیهای و دستگاه‌های قدیمی و خراب خود آنرا به‌هدر پذیریم به‌همان انداده نیز به‌آب و بی‌آب و بی‌نفت بیشتری احتیاج داریم که این اثری بر قاعده را برای ما بوجود بیاورد. هر چقدر که سطح زندگی مردم شهرها بالا می‌رود مصرف آب و برق و گاز آنها نیز بیشتر می‌شود و چون منابع طبیعی ها ثابت بوده و به‌این نسبت زیاد تمیشوند تنها چیزی که به عنوان سهم شهر باقی می‌ماند اضافه شدن عروز آزادگیها، هوا، آب و زیست‌شناسن زیاله است. مجموع اثری‌هایی که برای تک‌تک اینها مصرف می‌شود و به‌هدر می‌رود بدون شک بیشتر از آن خواهد بود که ما این بنایها باهم بشکل گروه گروه طرح کرده و سیستم مشترک اثری مانند حرارت مرکزی برای آنها بوجود آوریم.

وقتی که ما به‌مسئله مهم آب در تهرانی که قرار است ثابت سال دیگر فقط پنج و نیم میلیون جمعت داشته باشد و هم‌اکنون به‌چهار میلیون هر سد فکر می‌کنیم حتی عوامل کوچکی را مانند سیفون‌توالت‌های مدرن به‌جای آفتابه و آبن را که به‌هدر می‌دهند تمیتوانیم نماید و بگیریم، درکشواری‌که کمیود آب همیشه از مسائل بزرگ روز بوده است این بنتظر کاملاً منطقی می‌اید که بطور جدی به‌تصویر مکرداً به‌ای مصرف شده بیندیشیم و در نامه‌ای داشته باشیم.

امروز که ما درکشواران برای بوجود آوردن یا کشکه عظیم بر قاعده‌های بسیار بزرگی داریم و با اجرای این بنایه بینون شک در آینده یکی از بزرگترین عوامل کوچکی خواهیم بود که اثری «تمیز» و منی بر قاعده آب بوجود می‌آوریم، خوب است که از هم اکنون نیز مکوشیم تا بر نامه‌های صحیحی برای استفاده از این نیرو در شهرهای خود تنظیم کنیم تا بعد ممکن اثری‌های مصرف شده در شهرهای ما خالی از آزادگی باشند.

این مسئولیت آرشیتکت است که در طرحهای خود حد اکثر استفاده را از اثری‌ها باحدافل هنردادن آنها بینماید. آرشیتکت باید برای یافتن بهترین سیستم تاسیساتی ساختمانی تجسس کرده و برای خودش روشن شده باشد که مهندس‌های صحیح تأسیسات محیط زیست دخالت مستقیمی در بوجود آوردن محیط زیست صحیح دارد.

## بحث روز..... محیط‌زیست

اکنون که ما در کشورمان به درجه‌ای از صفتی شدن رسیده‌ایم، جاده‌های اسفلت هستیم و آب لوله‌کشی و برق به‌دهکده‌های خود می‌اوریم فکر می‌کنیم این درست موقعی است که باید توجه بیشتری به نوع ازندگی و کیفیت محیط زیست خود بتعالیم.

ما بیش از همه چیز نگران وضعیت شهرها و کیفیت محیط‌زیست در این شهرها هستیم، گروهها و سازمانهای مختلفی بطور جداگانه هر یک دارای فعالیت‌های تسبیت به سائل محیط‌زیست هستند که با یکدیگر همراهی و روابط نزدیکی ندارند.

ما تمیتوانیم مسائل محیط‌زیست خود را از هم جدا کرده و تک‌تک آنها را حل و معالجه کنیم و این امید که حل یک‌مسئله به‌نهایی هم‌ضمن زندگی بهتری برایمان خواهد بود. محیط زیست بطور کلی یک سیستم اکولوژی است و اکولوژی نیز خود عبارت است از همبستگی و رابطه‌های ناگفتنی، چه کسی می‌تواند منابع‌تر از یک آرشیتکت باشد که این همبستگی‌ها و روابط را درک کرده و قوش هدایت‌کننده‌ای را در میان این منابع وجود داشته باشد.

تابحال رسم چنین بوده است که نقش اصلی آرشیتکت این باشد که تمامی زیبا مسازد و فخر خوشنگ و ایده‌آلی برای صاحبکارش بناکند. ساختهای که تنها طرح شده و متناسب با ساختهای دیگر نبوده است. اما امروز ما در میانیم که این مناهای تک‌تک به‌نهایی نیستند که محیط زیست انسانها را می‌سازند بلکه همه این بنایها با همدیگر روابط و همبستگی‌هایی را بوجود می‌بورند که محیط زیست محلی و شهری را برای مردم می‌سازند. اگر محققیت‌تا بخواهیم که مغلوب زندگی اجتماعی سنتی که بدون قواره بزرگ شده، واقع شویم، می‌بایست که اجازه بدیم که از هم اکنون حرفه معماری بیشتری ویژگی‌های رشدی‌های فیزیکی و اجتماعی را در دست گرفته و مارا برای ساختن محیط‌های زیست‌مناسب امروز و فردا را گیری کنند.

یک دودکش کوچک کشیف کارخانه‌ای درکشان یک دهکده یا بطری شکسته‌ای که از مائیشی بهکشان جاده انداده شده، در مقابل طبیعت بزرگ بسیار ناجیز وی اهمیت است، اما وقتی که جمعیت‌ها در شهرها متوجه می‌شوند قباله هایی که بوجود می‌باشد به‌هذا نوع که باشد مقدارش عظیم و تاثیرش بسیار نایینجار خواهد بود. اگر شهرهای ما می‌خواهند بعمردم خود «ازندگی خوب» بدشند این شهرها نمی‌توانند فقط براساس آمار و با موقعیت اقتصادی طرح شده وجود بینند.

ما معماران و شهرسازان وقتی شهری را طرح می‌کنیم تنها به محدوده و نقشه جامع فکر کردن و عکس‌های فشنگی را روی کاغذ نگیریم چنان‌که از همان کانی نیست، شهری که ما طرح می‌کنیم محیط زیست انسان هایی است که فقط باحس بصری که چه را بینندند زندگی نمی‌کنند مادر مقابله انسانها و همه احتیاجات آنها مسئولیت داریم.

## بورس بازی زمین

بورس بازی زمین در شهرها یکی از عوامل بزرگی است که توازن منطقی و ایجاد محیط‌زیست صحیحی را در شهر به‌هم می‌زند. وقتی که ما عیوبی‌های ساختمان زمینهای بزرگی در شهر فقط روی زمین خود

## سیاست شهر سازی کشور

داشتن طبیعت در شهرها باید خیلی بیشتر مورد توجه آرژیتکتها و شهرسازان ایرانی واقع شود، نه غریبها که نسلهاست در شهرهای بزرگ زندگی میکنند.

مایه پارکهای بیشتری احنجای داریم، پارکها، و پیاده روهاتی که درس تاس شهر ما موجود باشند، مردم ما هنوز در هر خیابان درختی می وینند بساط پیک نیز که را یعنی می کنند و شاهد زنده آن خیابانهای چهارباغ و جاده شیرین آن در تابستان است.

تهران در حال ساختن یک پارک بزرگ در جنوب شهر است که زندگی در میان طبیعت را به مردم قول میدهد. امید است که این پارک به مردم درختها و مساحت های را بدهد که بتوانند بساط پیک نیز را در آن یعنی کنند، مردم را از روی چمنها بپرسنند و مانند پارکهای دیگر فقط خیابانهای اسفلاته و سنتی را به آنها اختصاص ندهند. ولی باهم اینحال هوای پارک جنوب شهر را که تمیشود باشه و مطبوع خنک و تمیز کرد و مردم بدون شک رفتن به شیرین آن در تابستان را ادامه خواهند داد.

فقط یک پارک عظیم که یادگار و باقیمانده زحمت و فعالیت دورانی از پخش دولتی است جوابگوی احتیاجات شهر نبوده بلکه پارکهای متعدد و کوچکتر و حتی خصوصی در اطراف این شهر شلوغ بسیار مفید خواهد بود.

پارکهایی که ما به آن احتیاج داریم می توانند دارای یک کتابخانه و مرکز تجمع فرهنگی محلات مختلف بوده و مانند پارک یوسف آباد (که در ضمن استثنائی من دمی که ناتوانی جسمی دارند نیز میتوانند از آن استفاده کنند) ساخته شود.

هنر روز جمعه و یا تعطیل که مردم تهران برای یافتن درخت و آب و سبزه بخارج از شهر کوچ می کنند شانه تشکی و احتیاج بزرگ این شهر شنیدن به دست یاری به طبیعت است. این طبیعت را باید بتوانیم به داخل شهرهای خودمان بیاوریم.

مرغوبیت محیط زیست های مانند همه کشورهای دیگر یک موضوع بین المللی است و ایران می تواند با موقفيت هایی که در کفرانس بین المللی محیط زیست در استکملام امسال بست آورد بسیار به خود بیاند. اما باید سعی کنیم که مسائل را در مقایسه کشوری حل کنیم و میباشد در یک کرده و بدانیم که اکولوژی را به مدتی می توانیم با مساحت های منطقه ای داشته و من غوبیت محیط زیست را بسیار بفهم و توجه لازم دارد که در طرح و ساختن شهرهایمان بکار ببریم.

در کشور ما در سطح دولتی برای محیط زیست خیلی بیش از آنچه

که ما اطلاع داشته باشیم انجام گرفته است.

سازمان شکار بسانی و صید که جدیداً به نام سازمان حفاظت محیط زیست نامیده میشود مسئولیت های جدیدی دارد نیز جون کنترل آزادگیها و استفاده از زمینها به عنده که این است که نکات بسیار مهمی را در محیط زیست این آن تشكیل میدهند و با داشتن ارزش و قیمت این مسئولیت ها، صمیمانه امیدواریم که بتوانند این پیشرفت و فعالیت های چشمگیر را ادامه بدهند.

یک روز کشور ما شاید به خود افتخار بکند نه برای اینکه بزرگترین درآمد ناخالص کشورهای صنعتی دنیا را دارد، پس اینکه محیط های زیست طبیعی و وحشی را به عنوان هناظت حفاظت شده نسبت به مساحت کشور خودش در عرضه بین المللی کنار گذاشته است.

به خاطر اینکه بر نامه های اصلی کشوری امروزه بر اساس صنعتی شدن و بالا راندن در آمده است، طبیعت شهرهای ایران سیاست مراکز کاریابی بوجود آمده و یا بزرگ می شوند. البته این راه برای رسیدن به عده که در نظر گرفته شده است راهی صحیح و با نتیجه خواهد بود اما زندگی دریلک شهر معنی اش بیش از آن است که یک شخص شغل داشت و جیبی برازیول داشته باشد. این مسئولیت ما آرژیتکتها و شهر سازان است که تنها به اقتصاد شهری تکاره نکرده بلکه کوشش و فعالیت خود را هرچه بیشتر صرف پیشتر گردیدن کیفیت زندگی شهری بنمایم و سعی کنیم که تا حد امکان خود را در بوجود آمدن سیاستهایی که در کیفیت محیط زیست شهری دخالت دارند بکار بیندازیم. هیچ حرفه دیگری همانند حرفه ما برای پیشقدم بودن در نوع فعالیتها مناسبتر نیست.

خیلی تاثر آور است که کشورهای در حال توسعه مثل کوکان از تجربه بزرگ های خود درس نمی آموزند و اشتباوهای آنها را شخصاً تکرار می کنند. درست است که ما امروز افتخار میکنیم که در آمد خالص سالیانه کشورمان به جایی حقیقت با الت از زاین رسیده است در حالی که فراموش می کنیم که به شهرهای زاین که قریبی این رسیده بیش از نکامه کرده درس عیارت بکریم. باید فراموش نکرد که خرجهای را نیز که ما به خاطر تصحیح اشتباوهای خود در کشور می کنیم، جزو درآمد ناخالص سالیانه کشوری گنجانیده شده است. ما فکر میکنیم که صنعتی شدن ننانه متعدد و متفرق بودن است.

بسیاری از کشورهای صنعتی شده امروز می بینند که سر زمین عایشان آسوده و متعاب طبیعت شان در حال پایان یافتن درخت تکرار می کنند. درست است که ما امروز افتخار میکنیم که در آمد خالص سالیانه کشورمان به جایی حقیقت با الت از زاین رسیده این کیودار صنعتی شدن تجربه تلخ دیگران را بیاموزیم.

البته باید هتر قی و پیشرفت باشیم ولی منظور چنین نوع ترقی و پیشرفتگی است، شاید بهتر باشد که می بینیم پیشتر فکر کنیم و طرز فکر خودمان را نسبت به یک شهر مورد سؤال قرار بدهیم. این جیست که من در را در یک شهر دورهم جمع کرده و آنها را در آنجا نگه می دارد؛ آیا حقیقتاً لازم است که این جمعیت های بزرگ را در مرکز معیشت در هم مفتراسیم تا آنها نقش سازنده محصول و هصر فکننده محصول را بازی کنند؟ آیا بازی کردن این نقش مهمترین چیزی است که ما می توانیم به مردم و هم شریعه ای خود بدهیم؟ آیا تکنولوژی امروز و وجود آمدن شبکه ارتباطات سراسری کشوری و بین المللی، سیستم های آزمونشی و اطلاع امنی تلفنی، تلویزیونی، ماهواره و حتی هلوگرافی نمی توانند مواردی باشند که طرز فکر هارانستی و هم وجود آوردن شهرهای بزرگ تغییر بدهند؟ سیاست شهر سازی کشوری بر نامه ای برای آینده شهرهای کشور ماست. و باید سعی کنیم که خودمان را فقط بالعکانات تکنولوژی امروز محدود نکرده و اساس آنرا برایه تکنولوژی فردا و زندگی آینده ای که از فردا شروع می شود بگذاریم.

## طبیعت در شهرها

«اوخرنی» میگوید،

«طبیعت در شهرهای بزرگ از هرجای دیگر زودتر از بین میرود، دلیل آن هندرسی است نه اخلاقی. خطهای مستقیم خیابانها و معماری، بی روح بودن قوانین و آداب اجتماعی، پیاده روهای راست و محدود، قوانین خشک و راه و رسم زندگی که حتی در محلهای تقریب و ورزش نیز مرکب تحت فشار واقع میشود، همگی باطبیعت و خطوط طریق و منحنی و ملائم مغایرت دارد.»

این انبیان همیشه دوستدار و عاشق طبیعت بوده اند و حتی آنها که امروز در شهرهای بزرگ زندگی میکنند بیش از یکی دو نسل نیست که از زندگی دهاتی و طبیعت نزدیک به آن جدا شده اند. بنا بر این نگاه

# بحث روز

## بحث روز..... حفاظت آثار باستانی

دنیای امروز به سرعت در حال صنعتی شدن و توسعه یافتن است و هر روز جمعیت بیشتر و سطح زندگی بالاتر می‌رود و آنچه که دین و راهای رفاه و آسایش بشود امروز ناقابل وی ارزش به حساب می‌آید. در حالی که پیشرفت علم و تکنولوژی، اختراعات و ایتکارات امروز را فردا متوقف وی ارزش می‌کند. و میراث گرانهای خود را بنام پیشرفت و ترقی، خیلی ساده هیتوانیم نابود کنیم.

بهمان نسبت که ما امروزه از زیان و ادبیات و هنرهای ملی خود که ما را به ریشه‌های تمدن قدیمی‌مان وصل می‌کنند صحبت می‌کنیم باید از حفاظت آثار باستانی وابسته تاریخی‌مان نیز مانند بنایهای باستانی، باعها، پلهای، بازارها و یافته‌های شهرهای قدیمی صحبت بدمیان آوریم. البته به خاطر حفظ اتفخارات گذشته نباید مانع پیشرفت و توسعه نوسازی شهرهاشد. بلکه باید جنان عمل کرد که در عین پیشرفت و توسعه شهرها آثار وابسته تاریخی نیز همچنان با بر جا بمانند.

آیا آثار باستانی ما در عرض خط از بین رفتن قرار گرفته‌اند؟ ملتی که در حال انقلاب صنعتی است و با سرعتی عظیم به جلو میرود و بطوریکه درآمد فاصله‌سالانه آن برایر با پیش از ده درصد می‌باشد، درحالیکه سیاست دولت میکوشد ایران را یک کشور مدن و پیشرفتی به جای یک کشور تاریخی و باستانی به دنیای خارج معرفی کند و در حالیکه صنایع در ردیف اول برنامه‌های توسعه و عمران مملکت قرار دارند میتوان گفت که ایران با خطر از دادن آثار باستانی و اینهای تاریخی و باقیهای تاریخی خود روبرو است و شاید این نابودی در اثر بی‌توجهی وجود خواهد آمد نه بطور عمده. کشورهای پیشرفتی بهخصوص کشورهای اروپائی و امریکا متوجه شده‌اند که آثار باستانیان را سرعت عجیبی روشنابودی میرود و بدتر آنکه این آثار وابسته را به خاطر از دیگر جمیعت و ترا فیک از دست میدهند. علت بر و زجن حوادثی عدم وجود قوانین و مقررات برای حفاظت این آثار وابسته توسط دولت می‌باشد. دولتها در اینصورت هیچ کوششی به عمل نمی‌برند و در طرح‌های نوسازی عامل مؤثری برای حفظ این آثار نمی‌باشند. سد عظیم آسوان در مصرف که بی‌شك برای توسعه آن کشور بسیار ضروری است به آرامی بعضی از آثار باستانی دنیا را در خود غرق می‌سازد میدانهای بزرگ اروپا با تمام ارزش تاریخی که دارند بهارکنگها تبدیل می‌شوند تا بلکه جانی برای اینهمه اتو می‌بیل وجود آورند. در ایالات متحده امریکا بطوریکه آثار نشان میدهد بیش از نیمی از ۱۲ هزار ساختمان باستانیان را خالک یکسان شده و نیم دیگر نیز در تهدید نابودی برمی‌برند.

ایالات متحده امریکا با تاریخ کمتر از ۲۰۰ سال با تمام قوای توسط حکومتهای محل و چه توسط دولت کوشش مینماید که قوانین و مقرراتی جهت حفظ آثار باستانی خود بوجود آورد. در این صورت ضروری است که ایران با تاریخ بیش از دوهزار سال سعی بیشتری برای حفاظت باقیمانده آثار تاریخی خود در مقابل توسعه‌یافتن و صنعتی شدن بنماید. حفاظت نه تنها در مقابل ویران کردن جاهلانه این آثار، بلکه در مقابل طرحهای آبادانی که در اثر بی‌توجهی با وجود آمدن خود این آثار بالارزش را نابود می‌کنند.

در سال ۱۹۶۸ هشادین پرسزیدنت امریکا برای نشان دادن زیباییهای طبیعت گزارش زیب را داردند،

# حفظ آثار

عملت ما برای حفاظت آثار تاریخی و فرهنگی خود قصور فراوان نشان داده است، برای حفاظت آنچه که در حال حاضر به جای مانده باید نهایت کوشش به عمل آید، ملی که عیشه آینده را در نظر دارد باید این نشانهای پر ارزش و با اهمیت تاریخی و فرهنگی خود را برای نسل های آینده پنهوی حفظ نماید، بنها سای تاریخی ارزش فراوانی در بوجود آوردن طرحهای شهرسازی جدید دارد وجود آنها در ساختمانهای یکنواخت امر روز زیبائی خاصی را بوجود می آورد، در ضمن با تغییر بنها های تاریخی میتوان استفاده های جدیدتری نیز از آنها نمود ولی در عین حال باید مواطن بود که حالت و محیط باستانی حفظ شود و ساختمانهای مدرن با فرم و فونتکسیون که با قدیمی انتباط داشته باشند میتوانند محیطی را بوجود آورند که منعکس کننده فرنگ و گذشته ما باشد.

فتایجی که از تحقیقات این گروه محقق بدست آمد این بود که مشاورین پر زیبائی امنیکا توصیه کردند که دولت بر نامه های حفاظت و تعمیر آثار باستانی وابسته تاریخی را در شهر توسعه دهد.

«اگر ما این آثار باستانی را نداشتمی امروز نیز ملکی نداشتم، و رئیس حفاظت کارهای سر بر زبور گقدیمی گفت «اینها تاریخ ماستند، تاریخ ملت روسیه».

هر دم احتیاج دارند که بدانند که زندگی ملتشان در گذشته چگونه بوده و نیز بینائی آنرا داشته باشند که بینند زندگی امروز آنها چطور ادامه پیدا میکند.

وقتی که آثار باستانی به خاطر توسعه شهرها و ساختمانهای اطرافشان مورد حمله و خرابی قرار میکنند این معماران هستند که مسئول هیبایند. آنها که سو کارشان با فرمها این بنها چه از نظر زیبائی و چه از نظر ساختمانی میباشد. ایران که شهرهای روز بروز توسعه پیدا میکند برای اینکه بتواند گذشته پر ارزش و گرانبهای خود را که در آثار وابسته تاریخی نهفته است حفظ کند میباشد از وجود معمارانی که از معماری اصیل ایران آگاهی دارند، استفاده نماید. و اینان هستند که باید در آغاز برنامه و قبل از اینکه تصمیمات بزرگی اتخاذ گردد جزو کادر تصمیم گیرنده قرار گیرند.

بطور کل مهندس معمار مشاور می سر برستی که نسبت به آثار تاریخی کشورش حسایت نشان میدهد میتواند تصمیمات دقیق تری اتخاذ کند، هنگامی که موضوع ساختن فرم و یا محیط جدیدی در محیطهای قدیمی به میان می آید، میباشد از وجود معماران با تجربه و حساس استفاده شود. این معماران میتوانند با آموزش فرمها ای قدمی و جدید فرمی زیبا از هر دو به وجود آورند. اگر این تصمیمات را که منوط به محیطها و بنها های قدیمی است بدست معمارانی که فقط با معماری و تکنولوژی جدید آشنا نیز دارند و نسبت به معماری قدیمی ایران اطلاع کافی ندارند بدھیم بادست خود این آثار گر انقدر و پر ارزش را در مععرض خطر نابودی قرار میدهیم. در این حال بیشک بنها های جدید و مدرن و مجلل بر بنها های باستانی که غیر قابل تجدید هستند غلبه خواهند کرد. کشور ما نیز ماقت خیلی از کشورهای دیگر فرهنگ و آثاری را از دست خواهد داد که نه تنها برای خودمان دارای ارزش و اهمیت است بلکه برای دنیا ارزشی خاص دارد.

## بحث روز..... آلوودگی\*

به نظر هیرسد همچنان که جوامع آدمی آلووده‌تر می‌شود. و نیز همچنان که سطح زندگی از فظر اقتصادی اعتلاه هیا بد کیفیت محیط زیست آدمی پشتی می‌کنید، هوا کشف می‌شود، آب‌ها آلووده می‌گردد و گرین از سروصدای موجود در شهرها غیرممکن می‌شود، زیاله و خاکروبه منازل و صنایع چنان انبوه می‌شوند که کوه‌ها می‌سازند، وزیائی که ممکن بود بر محیط شهرها متصور باشد به سبب ایجاد مناظر زشت و ناقبولاً از بین هیرود، شهرها که برای کار تغزیج و اوصلاً زندگی شهری بدان‌ها می‌گردند به صورت جاهائی پرسروصدا و آلووده در می‌آیند.

## هوای

نقشه‌های هادی که برای شهرها طرح می‌شود هزارها میلیون مردم را بگردید یکدیگر می‌آورد، در صنایع نزدیک برای آنان کار تهیه می‌بینند و برای آن‌ها جاده‌های سریع السیر می‌سازند که مسافت زیاد بین محل سکونت و محل کارخان را که ناگزیر طرح لازم می‌آورد ببینند و تمام این عوامل در آلووده گردانیدن هوا تأثیردارند. ما چون معماریم و در طرح دستی داریم مسئول آلوودگی هوایی هستیم که ساختمانهای ما را زشت و سیاه می‌کند. درختان را می‌کشیم، خیابان‌ها و آدمیان را از سایه آن‌ها محروم می‌کنیم، چشم شمارا می‌آزاد و ریه‌ها را علیل می‌کنند.

در تهران که به بدنیون صورتی در معرض آلوودگی هوا قرار گرفته است دستگاهی نصب می‌شود که درجه آلوودگی هوا را اندازه بگیرد. دولت کمرنگی سین برگرد شهر بیش بینی کرده است که مردم از اکسیژن خالص بپرمعنده شوند. در مجلس و در جراید بحث‌هایی درباره آلوودگی هوای تهران در گرفته است، امید ما این است که این صحبت‌ها بازودی نتیجه دهد و مبارزه با آلوودگی هوا صورت حقیقت یابد.

## سر و صدا

هذا باید بپرسیم که تأثیر توسعه فنی و صنعتی و ایجاد کارخانه‌های جدید بر محیط شهرهای ما چیست، هر جاده سریع السیر تازه چقدر هوای شهر را بیشتر آلووده می‌کند، دستگاه بدن آدمی ناجه هیزان می‌تواند سروصدای رفت و آمد اتومبیل‌ها را تحمل کند هنگامی که مسکن وی نزدیک جاده سریع السیر واقع باشد. اراضی نزدیک جاده باید برای مقاصدی غیر از مقاصد مسکونی در نظر گرفته شوند. ممکن است رفت و آمد اتومبیل‌ها در این جاده‌ها اکتون چندان زیاد نباشد، اما بازودی این جاده‌ها برای اتومبیل خواهد شد، زودتر از آن چند کمک ممکن است ذکر کنیم.

عامل ایجاد کننده سروصدای اتومبیل، مادی و پاها همچوینیست. نوع استفاده از زمین و نوع مصالح و روشی که در ساختن مورد استفاده قرار می‌گیرد همه با ایجاد سروصدای را ببطه دارند. ساختن خانه‌ها در جهانی که نزدیک فرودگاه است و امکان سروصدای هوا پیش‌می‌آید باید متنوع شود. باید در کنار جاده‌های سریع السیر حریم سین در نظر گرفته شود. برگرد اولهای آب و فاضل آب در داخل منازل عایق جلوگیرنده صدا موجود باشد تا از ایجاد سروصدای جلوگیری شود. هم طرح‌های معمولی وهم ساختمانهای خوش نشانه می‌تواند از ایجاد سروصدای در شهرها جلوگیری کند یا آن را به حداقل تقلیل دهد.

## آب

آب در اکثر نواحی ایران کمیاب است و چه خوب که تختین قانون «ضدآلوده کردن محیط» که در مردادهای گذشته تصویب شد مربوط به آلوده کردن آب است. مطابق این قانون ریختن زباله و مواد آلوده کننده در انواع آبها در ایران ممنوع می‌شود (فرض مسا براین است که هراد از تمام آبها، خلیج فارس، دریای خزر، رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و شهرها است) و متخلفین از این قانون به شدت جریمه می‌شوند. در آغاز کار پیاده کردن این قانون مشکل خواهد بود. کارخانه و صنایع که بسیاری از آنان توسط کمپانی‌های خارجی تأسیس شده‌اند و کمپانی‌هایی که سرمایه آنان برای رشد اقتصادی ایران مهم است و وجودشان برای صنعتی کردن کفوف بسیار لازم است برای در امان نگاهداشتن محیط از آلودگی از آغاز نهادنیشه‌ای کرده‌اند نه ملاحظه‌ای درنتجه وضعیت ناراحت‌کننده‌ای که اکنون ما با آن مقابله همان است که کشورهای توسعه یافته با آن رویرو هستند و یا از مدتها پیش بوده‌اند. از این جانب احتیاج به آب و هوای غیرآلوده و از جانب دیگر هزینه‌ای که صنایع برای پاکیزه نگاه داشتن آب و یا هوا مترتب است.

بین معماری و استفاده یا سوءاستفاده از آب بستگی و روابط نزدیک موجود است؛ یعنی از این روابط خاصه در طرح‌های بزرگ معماری مطرح می‌شود. همه میدانیم که آب جاری و سریان از دیرینان عاملی بسیارهم در رفع سازی و خیابان‌بندی است اما ایجاد رابطه بین آب و معماری به صورت امر ورزی فقط اخیراً معمول شده است. اکنون تأسیس وایجاد سدهای بزرگ این امکان را بنا میدهد که از آب و استخرهای نزدیک سدها برای ورزش و تفریح استفاده کنیم و این نکته اهمیت و ارزش خاصی برای شهرنشینان دارد.

همین سدها گاه نقاط سیل‌گیر را در کشوری که روی هم رفته خشک است ولی پاره‌ای ازدهات و شهرهای آن سیل‌گیر هستند تغییر میدهند و این دهات و شهرهای را در معرض سیل‌قرار میدهند. چه وقت می‌توانیم بیاموزیم که بر نقاط سیل‌گیر نباید ساختمان شود. بلکه باید آنها را محفوظ نگاه داشت تا مجرای طبیعی سیل باشند، به عنوان معماريون به راهنمائی دستگاههای اجرائی پرداخت.

## زباله

مسئله زباله تنها با جمع‌آوری آن ازخانه‌های مسردم و یا از کارخانجات فوراً حل نمی‌شود. باید به مردم آموخت که هر چه رانی خواهند فوراً در کوجه و خیابان دور نمی‌زنند. مردم تنها اتوبوس‌خود را با استفاده از آب جوی‌ها می‌شویند. بلکه جوی‌ها بذبالية‌دانی تبدیل شده است. نتیجه آن می‌شود که پس از اینکه باران شدید آب‌زدایی که در جوی‌ها جمع شده‌اند، بهبخش جنوب شهر انتقال می‌یابد، ناجائز که آب همراه با این کشافتات از پیوست پرتقال گرفته تا لنگه کشش از جوی لبریز می‌شود و به خیابان و پیاده‌رو میرسد.

این وضعیت به راستی انسان را به ایاد شهرهای اروپائی فرون و سطی می‌اندازد که مردم از پنجه خانه‌ها زباله و کشافت را به داخل کوجه‌ها می‌بخشند و عابرین البته باید حساب کارخود را می‌کنند. به‌نظر میرسد مردم فکر می‌کنند هر قطعه زمین ناسخه شده و بدون دیوار در شهر محلی مناسب برای ریختن و ایاشتن زباله و کشافت است. شاهد این مدعماً پخش‌های ناسخه شده عیان آباد در تهران است که در آنها از صدها پاکت پلاستیکی دور ریخته شده تیه‌های بوجود آمده

وپلاستیک‌ها در نور آفتاب چنان میدرخشد که شخص ممکن است تصور کند گیاه تازه مرموزی در کنار تیه‌ای روئیده است.

صنایع ما در حال حاضر تولید همان چیزهایی را آغاز کرده‌اند که صنایع غرب به مختار آن متوجه شده، می‌خواهند تولید آن را کنار بگذارند: فوتوچلبی، بطری، جعبه و چیزهایی مانند آن که پس از مصرف محتوی آن بالا مصرف می‌ماند. بهتر است قبل از ارتكاب به اشتباهاتی تازه متوجه باشیم صنایع ما جهه تولید می‌کنند.

## زشتی

وقتی که نوبت به «آلودن بصری» قسمت‌های ساخته شده محیط زیست میرسد حرفة معماری باید مستولیتی فاطم به عهده بگیرد. منظور این نیست که برای تربیائی ساختمان‌ها باید معیار یا معیارهای فرض شود. من دانیم که زیباترین معیار فرمول بذریعه همان از آن این است که باید بضرد جنبه‌های آشفته و وارفه شهرهای خود اقدامات جدی و مؤثر معمول داریم. زیرا اگر معیارهای تربیائی فرمول بذریعه نیست، شناختن زشتی و دقت صورت پذیر است. این‌طور آشفته عالم و جراغ‌ها، زشتی بر هوت وارکینگ‌ها و سیمه‌های رشت بر ق که برگردان خیابانها آویزان است.

از استعداد بارز ایران‌ها برای گرافیک باید استفاده کردد و آنها را تشویق به ایجاد ملحوظ عالم و تابلوهایی کرد که چشم را بنوازد. نه آنکه مناظر شهر را به آشتفتگی کشد. از استعداد مردم برای آرایش و تزیین خیابانها که «جز افغانی» نشانه آن است تیز نباید غافل شد و باید از این استعداد برای بهبود و زیبایگر دانیم مناظر شهر استفاده کرد. مثلاً همین رسم جراغ‌های هنری در مساحت‌های مختلف در شهرها تکرار از شود و ایده‌جاهای هنری در اختیارها تعییه شود به جای آنکه بشده‌ای چرا غ همین طور در هرجا آویزان شود.

خشیخته‌انه حوزه شهرهای بزرگ، در ایران هنوز نخستین سالهای عمر خود را می‌گذراند. و هنوز امکان پاک کردن شهرها از آلودگی‌ها قبل از آنکه ما را غافل‌گیر کند موجود است. مضافاً به اینکه هر روز بیشتر و بیشتر دسته‌های مردم به این موضوع متوجه می‌شوند، از جمله، شرکت نفت ایران برای رفع آلودگی هوا سینه‌اری ترتیب داده است. با اتحاد جماعت‌های شوروی موافق شده است که مسئله آلودگی بحر خزر را مورد مطالعه قرار دهند. درنهان کارخانه‌ای تأسیس خواهد شد که تربیه‌ها را به کرد شیمیائی تبدیل کند. اما این کوشش‌ها باید تعقیب شده و ادامه یابند. «تک قدم»‌ها نمی‌توانند راه حل باشند. مخلوط آمیخته دود و موهی که در نهران موجود است آن را در ردیف شهرهای چندین میلیونی مبتلا به همین مسئله قرار میدهد. اما وضعیت در اینجا هنوز بعوامت لوس‌آنجلس و توکیو ترسیده است. از آلودگی بحر خزر دستکم قسمی از آنکه متعلق به ایران است می‌توان جاواگیری کرد. به شرط آنکه صنعتی کردن کرانه‌های بحر خزر اندیشه سوت کبرد. هنوز برای ما معماران فرست واقع است که مسیر جاده‌ها را در شهرها تعیین کنیم به شرط آنکه متوجه باشیم از سر و صدای اتومبیل در داخل شهرها بگاهیم. و اگر به عنوان اهل حرفة و اشخاص صاحب نظر بانگ خود را به گوش آن‌ها که باید بشنوند بر سایم ممکن است هنوز بخواهیم شهرهای خود را از «آلودگی بصری» که محیط شهرهای هارا تهدیدی بگیرد در امان نگاه داریم.

# بحث روز... مسکن

## بحث روز... مسکن

گزارش اخیر وزارت آبادانی و مسکن که اطهار نظر سازمان مسکن را دربر دارد، نشان میدهد که اگر بخواهیم در ده سال آینده تمام ایرانیان محل مناسبی برای سکوت داشته باشند، باید دو میلیون واحد مسکونی در این ده سال در این کشور ساخته شود معنای این تحول این است که سالیانه باید حدود ۲۰۰۰۰ واحد مسکونی ساخته شود و این میزانی است که تقریباً شیوه محترم و قدیمی آجر بر آجر گذاشتن را برای ساختن هر خانه عملاً غیر ممکن می‌سازد.

تنهای ۱۵ درصد از این میزان برای طبقات بادرآمد بالا است که در آن بخش خصوصی حاضر به سرمایه‌گذاری است، در حالی که يك سوم کل این میزان برای طبقات کم درآمد است، که قسمت اعظم آن باید به کمک‌های مالی دولت صورت یابد. و در این قسمت بخش خصوصی مایل به سرمایه‌گذاری نیست. دادوستد و بازار در رشته‌های دیگر منافع سریع تری می‌تواند برای خود تامین کند.

آشکار است که ایران با مشکل مسکن رو برو است. نخست آن که چگونه می‌توان این همه واحد مسکونی در زمانی چنین کوتاه‌که بدان‌ها احتیاج هست ساخته شوند؛ دوم آنکه چه کسی می‌تواند برای این نوع واحدهای مسکونی سرمایه‌گذاری کند؛ پاره‌ای اقدامات در این تعیینه صورت گرفته است که بخش خصوصی را در این قسمت حاضر به سرمایه‌گذاری کند، اکنون بانک‌های بیشتری وام مسکن می‌دهند و گاه به سبب حمایت مالی دولت بانک‌ها برداخت اقساط واحدهای مسکونی را ضمانت می‌کنند. وزارت آبادانی و مسکن برای پروژه‌هایی که بیشنهاد ساختمان مسکن برای طبقات کم درآمد و متوسط کند، به شرط رعایت ضوابط فنی سازمان مسکن، تعیین را به قیمت ارزان تهیه می‌کند. تمام این اقدامات کمک می‌کند که سرمایه‌ها به جانب مسکن متوجه شوند. ولی تردید است که بتوان سرمایه‌ها را از صنایع که امکان استفاده بیشتر هست متوجه مسکن ساخت.

نتیجه آن است که بخش خصوصی حل مسئله را کاملاً به عهده دولت می‌گذارد که مدام پروژه‌های ساختن آبادمان‌های ۵۰۰ واحدی یا بیشتر را در شهرهای عده ایران جهت تهیه مسکن برای همه آغاز می‌کند. این کوشش‌ها قابل تحسین است، اما طرح این آبادمان از دفاتر مرکزی در تهران توسط کارمندانی صورت می‌گیرد که هیچ اطلاعی از محل و مکان ساختمان و موردی که برای آن‌ها این آبادمان‌ها ساخته می‌شود ندارند، فی المثل اینان هرگز در تابستان در پرندگان عباس نبوده‌اند و از این‌رو تصور می‌کنند که تنها با ساختن پنجره‌های کوچک در ساختمان می‌توانند این خانه‌ها را برای هوای گرم و هر طوب پندر عباس قابل زندگی کنند.

اینان تصور می‌کنند هر نشیه را با تغییر مختصی مثلاً اضافه کردن یک آبوان برای بحر خزر و چند پنجره شبک برای نواحی خلیج فارس می‌توان هم‌جا بکار برد و نتیجه مطلوب به دست آورد. مسئله این است که مردمی که این واحدهای مسکونی برای این ساخته می‌شود اغلب از زندگی در این خانه‌ها سریاز می‌زنند و خانه‌های محقر اما راحت‌تر خود را ترجیح می‌دهند.

دولت درباره ساختن انحصاری مجتمع‌های مسکونی بلند در نقاط شهری است. پسیب ارزش پسیار قیمت زمین در حال حاضر ممکن است در نخستین نظر این امر منطقی بهنظر رسد. اما به عنوان یک سیاست‌کشوری عمومی، نتایج اجتماعی این امر چیست؟ نتیجه این که خانواده‌های پدر سالاری موجود در ایران که عادت بعزم‌نگی در خانه‌های کوچک شلوغ تک خانواری دارند، ناگاهان در آثار تعنانهای مسکن دعیم که آسان را ازهم جدا می‌کند. آیا بصرف این که فضای مورد احتیاج برای هر فرد در آثار تعنانها رعایت شده می‌تواند جواب‌گویی برویدگی زندگی بیوسته این خانواده باشد؟ آیا صحیح است که سیاست مسکن ما خانواده‌های سنتی ایران را که روشنگر و فاعل‌گرا هستند تبدیل به خانواده‌های «مستقل» مفتر زمین کند و روابط نزدیک دوستی و همسایگی را از آن پکرید و همچنان آن ازدواج را اجتماعی ایشان بوجود آورد.

موافقین آثار تعنانهای بلند حرثان این است که این آثار تعنانها لازم هستند برای این که قیمت زمین را زیاد است. اما این قیمت زیاد نمی‌نماید و نتیجه آن است که بر معاملات زمین نظارت نمی‌شود و بوسیله این آزاد گذارده شده است امری که مانند بیماری خطرناک در تمام نواحی شهری شیوع یافته است. بدجهای آنکه آثار تعنان بلند بر اکام را مانند «باندی» برای زخم بهیچیم لازم است خود مرض را علاجه کنیم. تغییر اجتماعی زندگی یا تعلیم پسیب آن که اقلیت زمین خواری می‌خواهد کیسه‌اش را پر کند تا چنان‌دازه صحیح است؛ بله، واحدهای مسکونی مناسب‌زنندگی امروز پایه تهیه شود اما نه به قیمت تغییر بی‌جائی سنت‌های پیک قوم پسیب آن که محتاج زمین خواران تأمین شود. خوشبختانه کوشش‌های آغاز شده است برای این که زمین خواری و زمین‌بازی متوقف شود. از جمله مالیات‌های پیشتر بر زمین‌های ساخته نشده و عرضه زمین‌های نسبتاً ارزان‌تر به شرط آن که ضوابط دولتی رعایت شود برای برای پروردهای خانه‌سازی. اما محتملاً اقدامات مؤثرتر دیگری لازم است تا آنکه بتوان از نظر اقتصادی خانه‌هایی بهتر اکام‌تر طبقات کم‌رآمدتر ساخت.

مسئله دخالت دولت در امور مسکن چنین دیگری نیز دارد که ممکن است اگر به موقع متوجه نشویم نتایج اجتماعی نامطلوب به بار آورد و آن اقدام هر وزارت‌خانه دائم به ساختن آثار تعنانهای مسکونی خاص کارمندان خود است. این جدائی مردم بر حسب شغل هایشان و ایجاد مجموعه هایی که مارک هر وزارت‌خانه را بر سر درش دارد نظری همان جدائی اجتماعی است که بین گروه‌های سنی و مالی مختلف به سبب آنکه برای هر دسته از ایشان‌کویهای مسکونی جداگانه ساخته شده در شهرهای مفتر زمین اتفاق افتاده است (نظیر کسویهای مسکونی سالخورده‌گان یا به اصطلاح امریکانی هم‌شهریان ارشد، در ایالت متحده) تجریب‌های که در برزیلیا یا یونان چیدیده‌نامیس کشور برزیل صورت پذیرفت باشد این درس را بعما داده باشد که کارمندان دولت زندگی در همسایگی همکاران خود را دوست ندارند.

اکنون اوضاع چنان است که معماران آزاد کوچکترین فرستی برای این از نظر درباره این مسائل تمی‌باشند. کار وی در عرصه طبقات های مسکونی محدود است به وی‌اهای خصوصی و آثار تعنانهای طبقات مرتفع، بی‌تردد مثال خوب طرح های مسکونی در بخش‌های غنی‌تر شهر موجود است و آثار تعنانهای شرکت‌سامان در زمرة بهترین مثال‌های زندگی پیش‌است در آثار تعنانهای مسکونی است و چیزی از آثار تعنانهای نظری خود درسایر نقاط جهان کم ندارد.

اما هیچ دلیلی موجود نیست که طرح های خوب معماری باید صرفاً محدود به خانه‌های طبقات مرتفع باشد، دولت می‌تواند طرح خانه‌های ارزان قیمت را به‌عهده دفاتر معماری خصوصی بگذارد. اگر چنین کند خواهید دید که معماران ایرانی قادرند طرح های عرضه کنند که راه حل‌های مناسب و زندگه برای این مسئله مسکن در ایران بوجود آورد.

وزارت آبادانی و مسکن در کوشش خود برای بهتر گردانیدن کیفیت پروژه‌های خانه‌سازی که می‌خواهند از کمک مالی دولت برخوردار شوند و فرضا برای پروژه‌های خود این وزارت‌خانه، ضوابطی باحداقل شرایط وضع کرده است. در این ضوابط راجع به مورد احتیاج هر فرد شرایط وجود دارد که در اصل خوب است ولی شماره طبقات و اندازه قطعه زمین نیز به دقت معین شده است که نتیجه آن ممکن است تحمیل شرایطی باشد که از نظر اجتماعی در این کشور قابل قبول می‌تواند باشد برای فضای مورد احتیاج، بهداشت ساختمان، مصالح و تسهیلاتی که واقع‌طبقات کم‌درآمد در جامعه می‌تواند از آن استفاده برد، وضع حد اقلی لازم است. امامی توان استانداردهای معمول طبقات متوسط را بر طبقات کم‌درآمد تحمیل کرد. دولت‌کوش فراوان می‌کند واحدهای مسکونی مورد احتیاج را فس آورد، اما اگر مردمی که این خانه‌ها برای آن‌ها ساخته می‌شود نخواهد در آن زندگی کنند یا نتوانند در آنجا آسوده باشند صرفاً شماره هر چه بیشتر آثار تعنان نشانه موقفيت نیست. مسئله‌ای که نمی‌توان از آن اجتناب کرد، اگر انتظار داریم بخش اعظم امن خانه‌سازی را دولت به‌عهده بگیرد کیفیت پائیز طرح های دولتی است که در همه جای جهان از ایران گرفته تارویه به می‌توان رسیده است. بدین‌ترتیب به نظر میرسد به محض آن که طراح معماری کارمند دولت می‌شود و معمقرات رسمی برای شناساندن مهارت خود امید می‌پندارد کیفیت کار خود بلکه کیفیت طرح را یائین می‌آورد. هستله دیگر این است که از پروژه‌هایی که هم‌اکنون ساخته شده درسی گرفته نمی‌شود و برای اصلاح کارهای آینده از درس‌های گذشته استفاده نمی‌شود. از تکرار اشتیاء می‌توان اجتناب کرد و در پروژه‌های جدید موقفيت پیشتر به دست آورده اگر به بینهای ساخته شده مراجعت شود و نتایج طرح های گذشته بررسی شود. آیا ساکنین واحدهای مسکونی ساخته شده واقعاً فضای های خانه‌ها را به همان منظور ساخته شده مورد استفاده قرار می‌دهند؟ آیا آن‌ها به طرح خوبی تغییر نمودند که بتوان در طرح های یا قسم‌هایی را مورد استفاده قرار نمی‌دهند که بتوان در طرح های بعدی آنها را مورد نظر قرار داد؟ مصالحی که به کار رفته شده‌اند ناجه اندازه در عمل خوب از کار در آمده‌اند؛ هر ارها خانه که در زمانی کوتاه ساخته شده واقعاً فضای های خانه‌ها را به همان منظور ساخته شده اند مانند تمام محصولات کارخانه‌ای موقع در مدل‌های جدید نسبت به مدل‌های قدیمی باید پیش‌فتی بوجود آمد و باشد.

اما تازه‌انی که در سازمان‌های مسکن دولتی هیچ‌کس مسئول طرح های معماری نیست، علتی برای بهتر گردانیدن طرح های بوجود نمی‌آید برای این که دولت از اندیشه های تازه برای طرح های خود برخوردار شود، لازم است آنها را به آرشیتکت‌های آزاد واکنار. در عین معماران آزاد محرك طرح خوب نه تنها حسن شهرت است و با پادشاه هادی مناسبی برای ایشان است، بلکه بسیاری از ایشان که دل به حرفه خود باخته‌اند، شیوه‌یافتن راه حل‌های مقبول هستند. با شخصیتی که در عین معماران آزاد موجود است اگر کار بایشان توکنار شود نه تنها می‌توان از نظر کیفیت از ایشان طرح های بهتری انتظار داشت بلکه قادرند جواب‌گویی تعداد لازم طرح نیز باشند.

درباره استفاده از روش‌های «پیش‌سازی» در تأمین مسکن در ایران، خاصه برای آن که تعداد موردنیاز در زمان لازم آمده شود، صحبت‌های ذی‌بادی شده است و کمالاً ممکن است که معماران آزاد بتوانند بر تاسعه‌های جدید و عملی برای خانه‌های پیش‌ساخته در ایران تهیه کنند در اردویها خاصه روش‌هایی در پیش‌سازی معمول شده است که ممکن است بتوان از آن‌ها در ایران استفاده کرد. اما در هر حال نباید فراموش کرد که استفاده از شیوه‌های صنعتی پیش‌ساخته در ایران بتأمل مسیار صورت گیرد تا کمالاً موافق با این اهداف باشند.

چنین دیگر خانه‌سازی که باید مورد مطالعه قرار گیرد، سیاست

# ۳. دروز

## بحث... روز ساختمان

مقررات ساختمانی مدون نظارت بر کیفیت صالح ساختمانی، نظارت سیستماییک بر اجرای ساختمان، سه موضوع بسیار قابل توجه و پر اهمیت در عرصه معماری ایران هستند. درحال حاضر که در مغز بذمین این امر جزو بدیهیات معماری محسوب می شود، در ایران تقریباً فراموش شده است و تأثیر نامطلوب فقدان توجه به این امور به همان اندازه برای معماری این کشور خطرناک است که وجود آنها می توانست مؤثر باشد. وقتی مقررات مدونی وجود ندارد بسیار مشکل است که صاحب کار را فی المثل - به تعابیه یک «خروجی» اضافی در یک ساختمان دفاتر کار که در موقع آتش سوزی به کار آید قانع کرد. ساختن یک خانه مسکونی زیبای با آجر و قتنی یک سال بعداز ساختمان، تمام آجرها کچ و کوله شوند پیش از ارزش ندارد. ناراحت کننده است که پس از آغاز ساختمان یک بنا و در طول ساختمان نقشه های آن را باید چندین بار عوض کرد، جراحت هیچ کس نقشه هارا باهم هم آهنگ نکرده و نفهمیده که برای کمال های تهییه مطبوع باید جاهای مناسب، قبل از شروع به ساختمان پیش بینی می شد.

# ۴. کتابخانه

## مقررات ساختمان مدون

درکشوری که زلزله هر ساله خرابی‌های جانی و مالی فراوان به بار می‌آورد شرم آور است که قوانین ساختمانی مدون برای پیش‌بینی و پیش‌گیری این امر و نظایر آن موجود نیست. وزارت آبادانی و مسکن اخیراً مقررات منوط به مصالح ساختمانی را که در ساختمان هائی به ارتقای معین یه کار برده می‌شود فهرستوار تدوین کرده است.

این اقدامی است درجهت صحیح، اما در این فهرست هیچ اشاره‌ای به چگونگی استفاده از این مصالح به استثنای نکته‌ای مبهم درباره زلزله و باد نشده است و این مقررات به هیچ وجه نمی‌تواند جای یک سلسله قوانین بهم پیوسته ساختمانی را بگیرد.

زلزله اخیر که بین شیراز و بندرعباس رخ داد و دهکده‌ها و شهرهارا باخاک یکسان کرد، مثالی است زنده که نمی‌توان وناید مصالح ساختمانی جدید را هنگامی که نحسه استفاده از آنها معین نشده و نظرات نمی‌شود به کار برد. ساختمان‌هائی که با آجرهای کارخانه‌ای ساخته شده بودند و یا اساس ساختمان آن‌ها از پتن بود. بهمن آسانی فرو ریختند که ساختمان‌های گلی و خشتی. واضح است که وزن سنگین‌بنان الیه خسارتخانی بیشتر وارد آورد. نتیجه غم‌انگیز این واقعه این است که افکار عمومی که از فن ساختمان مطلع نیست و تایل شوم استفاده از مصالح ساختمانی جدید را به این ترتیب می‌بیند، تصور هی‌کند که خانه‌های گلی از ساختمان‌های ساخته شده بهشیوه جدید این‌تر است. از یک جانب تیم‌های مجهن آماده‌کمکت به قربانیان زلزله می‌شوند این کار آنقدر در این کشور صورت پذیر فته است که تیم‌های کمک اکتوون کاملاً در کار خود متعصب شده‌اند و این کار خود به صورت حرفاهای درآمده است و از جانب دیگر باز اجازه می‌دهیم که ساختمان هائی ساخته شوند که باز با یک زلزله و بدیوار مرگ زائی مبدل شوند.

وضعیت در شهرهای بزرگ ایران از این بهتر نیست. قوانین ساختمانی شهر تهران محدود است تنها به نسبت مساحت زیر بنا به اندازه قطعه‌زمین و فضای موردنیاز احتیاج پارکینگ و مصالح ساختمانی بناهای بلند. هیچ مقرراتی موجود نیست که از روش‌های ارزان ساختمان که بنا سازها و کنترات‌جی‌ها از خود اختراع کرده‌اند، مانند حذف خروجی احتیاط برای موضع حریق و نظایر آن و یا کار گذاشتن تیریک ساختمان بر دیوار بنای مجاور ممانعت کند.

اما هرگاه به تدوین مقررات ساختمانی جامع اقدام شود باید با نظر آرشیکت‌های دست‌اندرکار، مهندسین، مقاطعه‌کاران ساختمان، محققین فن ساختمان و سرمایه‌گذاران تدوین شود و دولت نقش هدایت آنها را به عهده گیرد. ترکیب مقررات ساختمانی کشورهای راقیه با تجاری‌بی که خود ما در فن ساختمان در این کشور به دست آورده‌ایم لازم است. اطلاعات نظری تنها مفید قایده نیست.

بر کیفیت مصالح مورداً استفاده در ساختمان و روش‌های ساختمانی باید مقرراتی وضع شود تا خطرات مالی و جانی پیش‌نیاید و این کار خاصه باشد از شهرهای بزرگ آغاز شود. سروش ساختمانی یک شهر ۴ میلیونی را نمی‌توان به مقررات آنی واگذشت.

## ناظران بر کیفیت مصالح ساختمانی

نمایندگان سازمان ملل در سازمان برنسامه و تیمهای فرستاده سازمان ملل که وضعیت ساختمانی ایران را از تزدیک مشاهده کرده‌اند نظر داده‌اند که باید مرکز تحقیقات ساختمانی در این کشور به وجود آید، که تنها درباره روش‌های ساختمانی تحقیق کند بلکه بر اساس کیفیت مصالح ولو ازام ساختمانی آنها را درجه‌بندی کند (گزارش‌هائی در این باب از دفتر سازمان ملل در تهران می‌توان به دست آورد.) نامیس مرکزی در این کشور فوریت پسیار دارد. فعالیت ساختمانی با دست و میزان پسیار در ایران ادامه دارد اما هیچ سازمان مسئول موجود نیست که بر کیفیت مصالح ساختمانی که برای ساختمانهای جدید تهیه می‌شود ناظران کند.

آجرکه یکی از مصالح قدیمی ساختمان در ایران است به درجات خوب و بد موجود است اما معلوم نیست آن آجرهایی که تقریباً خوب شناخته شده‌اند همه این کیفیت را واجد باشند. اغلب آجر پس از یک پاران زمستانی مقاومتش را از دست می‌خورد و با علاوه «آب» می‌شود و چون هیچ سازمان نظارت بر کیفیت مصالح ساختمانی و دسته‌بندی آن‌ها موجود نیست، شخص صرفاً باید بر اساس تجربه و فهم مخصوص آجر کدام کارخانه بهتر است. حتی اتحادیه تولید کنندگان آجر هیچ مسئولیتی برای دسته‌بندی و درجه‌بندی کیفیت محصولات اعضا خود به عهده نگرفته است.

البته وضع نایابهنجار تنها در مورد آجر نیست که صدق می‌کند، آن را به عنوان مثال در روش داشتن مستله‌ای که با آن روپرتوهستیم بیاد آور شدیم.

یک مرکز تحقیقات ساختمانی که مصالح ساختمان را بر حسب کیفیت آن‌ها دسته‌بندی کرده و برای مصالح حداقال شرایط لازم را وضع کند و بر رعایت شرایط حداقال از جانب تولیدکنندگان مصالح ساختمانی نظارت داشته باشد، کمک ذی‌قیمتی به آرشیوک‌ها و مقاطعه کاران ساختمانی خواهد کرد و وجود مصالحی که بتوان بدان اعتماد کرد بطور کلی کیفیت ساختمان را بالا می‌برد.

### نظارت بر آجرای امر ساختمان

چندبار دیده‌ایم که لوله‌های آن از درون اطاق پیدا است و روی آن را گچ گرفته‌اند؛ دلیل این امر اینست که جای لوله آب در جائی در فلز گرفته شده که تیر نگاهدارنده ساختمان از آن می‌گذشته و ناگزیر این «غوزک» رشت را پیدا آورده است. اشتباهاتی مانند این را که ناشی از عدم هم‌آهنگی نقشه‌های استخوان‌بندی ساختمان، نقشه‌های نهودی مطبوع و حرارت مرکزی، نقشه‌های برق و نقشه‌های لوله‌کشی آن است نمی‌توان بخشید اما تکرار آن‌ها تقریباً همیشگی و همه جائی است زیرا این نقشه‌های ساختمانی در اکثر موارد چندان فاقد جزویت‌یابی‌اند که اصولاً نمی‌توان آنها را باهم تطابق داد و هم‌آهنگ کرد.

دوم آنکه به ظرف نمیرساند هیچ کس از منتصصین بخواهد مسئولیت این هم‌آهنگی را بفیصل کند، واضح است که این هم‌آهنگ کردن نقشه‌ها بمسئولیت مستقیم آرشیوت است که نقش رهبری تیم منتصصین مراوح و سازندگان ساختمان را بمعهده دارد و هم او است که باید مطمئن شود که مقاطعه کار ساختمان عمل مطابق نقشه‌ها بینا را می‌سازد.

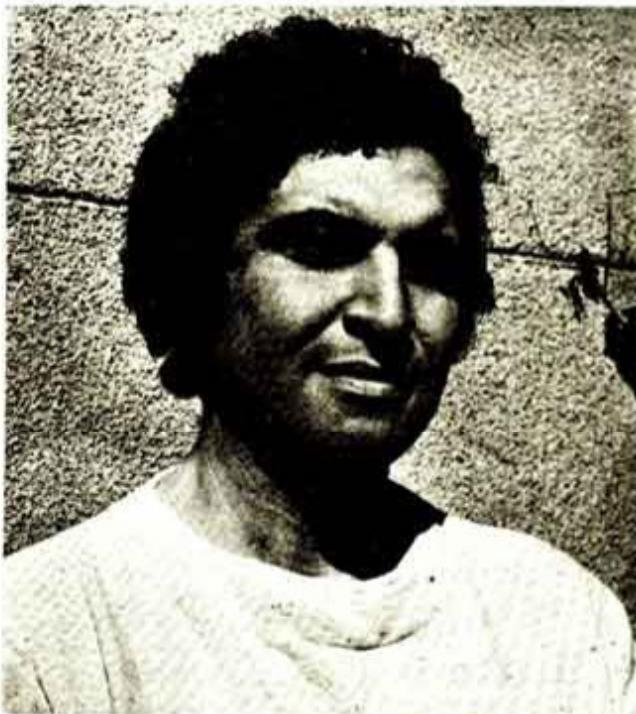
اما فقدان هم‌آهنگی تنها مسئله ما در عرصه ساختمان بناها نیست، تمداد بسیاری از ساختمان‌ها مدت درازی ساختمان‌شان به طول می‌انجامد و در نتیجه بسیار بیش از معمول گران تمام می‌شوند، دلیل این امر آن است که بن آنکه تمام نقشه‌ها واقعاً حاضر شده باشند و هم‌آهنگ آنها واقعاً به عمل آمده باشد، ساختمان شروع شده است

تصور باطل معمول این است که هرچه زودتر عمله و بناها آغاز به کار کنند ساختمان زودتر به اتمام می‌رسد. صاحب کاران اغلب متوجه نیستند که اگر اساس ساختمان یک بنا از آغاز تا به آخر متخصص نیاشد، و در جریان ساختمان مرتب تغییر یابد چکوته امر ساختن دست خوش هرج و مرچ می‌شود و نتیجه رضایت‌بخش کار به هیچ وجه معلوم نیست.

### Fast track Method - ۱ Critical Path Method - ۲

\*مقالات، آلودگی، مسکن و ساختمان توسعه‌آفای دکتر منوجهر مزینی از متن چاپ شده در بخش انگلیسی ترجمه شده است.

# کارهای مسعود عربشاهی

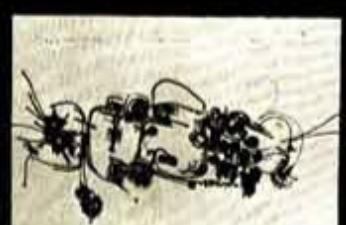


مسعود عربشاهی در سال ۱۳۱۴ در تهران تولد یافته است.  
بعد از تمام کردن دوره دبیرستان وارد هنر کده هنرمندان تزئینی تهران  
شده و در سال ۱۳۴۶ رشته معماری تزئینی آن دانشکده را پس از  
رسانیده است.

نمایشگاههای متعددی از آثار وی ترتیب یافته که بعضی از  
آنها را نام میریم:

- ۱۳۴۲ - اولین نمایشگاه در انجمان ایران و هند.
- ۱۹۶۷ - نمایشگاه شخصی در گالری موتیس فرانسه
- ۱۹۶۷ - نمایشگاه موزه هنر مدن فرانسه
- ۱۹۴۴ - نمایشگاه از کارهای کنده کاری در دانشگاه تهران
- ۱۳۴۷ - نمایشگاه در گالری سیحون
- ۱۹۶۹ - نمایشگاه هنر معاصر در آمریکا
- ۱۳۵۱ - نمایشگاه گالری لیتو - تهران

ضمناً در بینال چهارم وزارت فرهنگ و هنر در سال ۱۳۴۳ و  
نمایشگاه روز مادر در سال ۱۳۴۴ برنده اول شناخته شده است و در  
بینال پاریس در سال ۱۹۶۵ نیز شرکت داشته است.





کمپوزیسیون:  
۱۳۹۹ - رنگ و روغن روی بوم - ۱۳۰×۱۳۰



کمپوزیسیون:  
۱۴۰۰ - رنگ و روغن روی بوم - ۱۳۰×۵۰



کمپوزیسیون:  
۱۴۰۰ - رنگ و روغن روی بوم - ۱۳۰×۱۲۰



کمپوزیسیون:  
۱۴۰۰ - رنگ و روغن روی بوم - ۱۳۰×۱۲۰

عکس قسمتی از دیوار ساخن کنفرانس شیر و خورشید



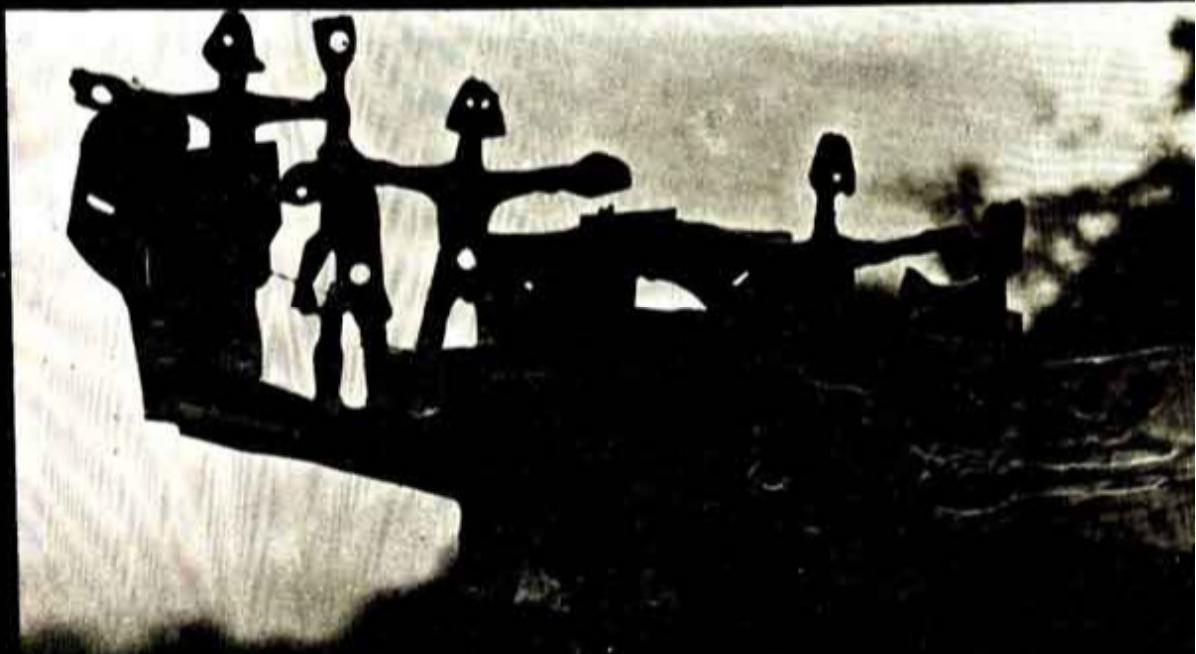
کارهای اولیه عربشاهی بیشتر روی بوم و بارگاه روغن است. بعد باختن بیکرها پرداخت. زیارتین نمودهای فکری وی روی کارهای فرسک و کنده کاری نمایان شده است، از اولین کسانیست که کار تزئین نما و قسمت‌های داخلی ساختمان را بطرز جدیدی آغاز کرد.

اتودهای اولیه که برای تزئین سالنها نموده است بیشتر نقشه یک شهر میماند، و فرم کارهای وی دارای روحیه زندگانی است.

جنده نموده از کارهای عربشاهی را میتوان بشرح ذیر نام برد:

۱- فرسک شمالی و جنوبی اطاق صنایع و معادن ساخته دکتر هوشنگ مرجان، که هر یک بروزی بدنه‌ای با بعد  $29 \times 6$  متر نقش یافته و ششماه طول کشیده است.

۲- تزئین دیوارهای ساختمان مرکز



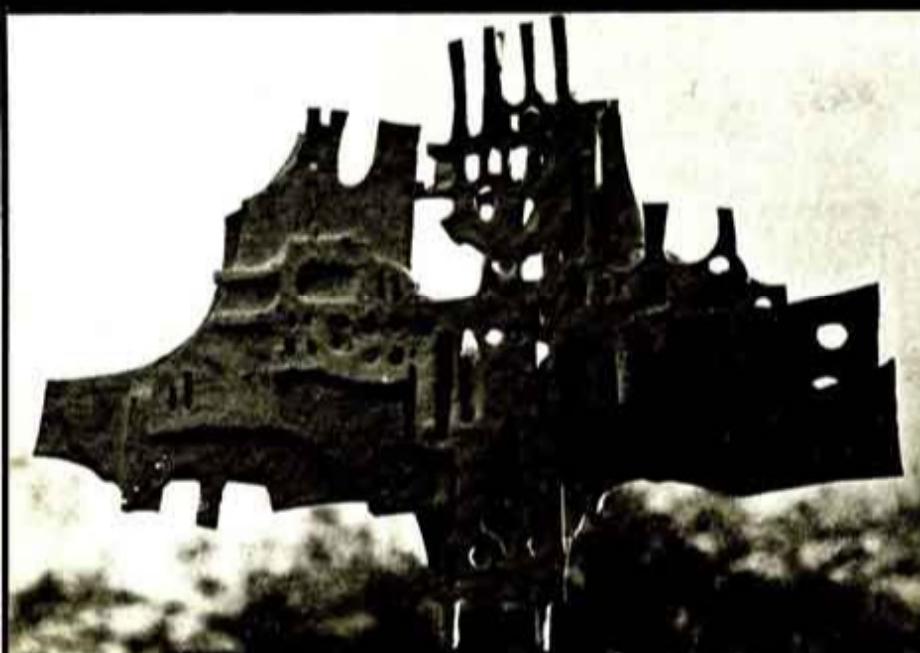
مدیریت که درحال حاضر ادامه دارد.  
۳- تزئین سالن کنفرانس بین‌المللی جمعیت  
شب و خورشید سرخ ایران که از آثار مهندس مقتصدی باشد.  
تمام دیوارهای این سالن با بعد ۱۱ متر ارتفاع،  
۳۰ متر طول و ۱۵ متر عرض از سفال ساخته شده و  
همه خطوط بدست خود عربشاهی روی سفال خام طرح  
و بعد از کنده کاری بکوره فرستاده شده است و در آنجا  
رنگهای زیبائی بخود گرفته که برشکره این کارآفروده  
است و این تزئین نتیجه سعی سال کار عربشاهی است.

آثاری که در این شماره بچاپ رسیده شامل نموده  
های متعدد از سکه‌ای مختلف کار او می‌باشد. ضمناً در  
زمینه کار عربشاهی بررسی مفصل‌تری در مورد نقش  
سفال در معماری انجام یافته که در شماره‌های بعد جا به  
خواهد شد.



ماکت پروره ییشناهدی برای میدان شهیاد که برنده اول شناخته شد.

اندازه اصلی پیش بینی شده:  $4 \times 1$  متر.



ماکت برای پیکره:  $1350 \times 15 \times 25$  سانتیمتر.



ماکت برای پیکره:  $1350 \times 20 \times 30$  سانتیمتر.

ماکت فرسک ساختمان صنایع و معادن: اندازه اصلی  $39 \times 6$  متر





چوب بسته‌ها که هنوز برداشته شده در عکس‌ها دیده می‌شود.



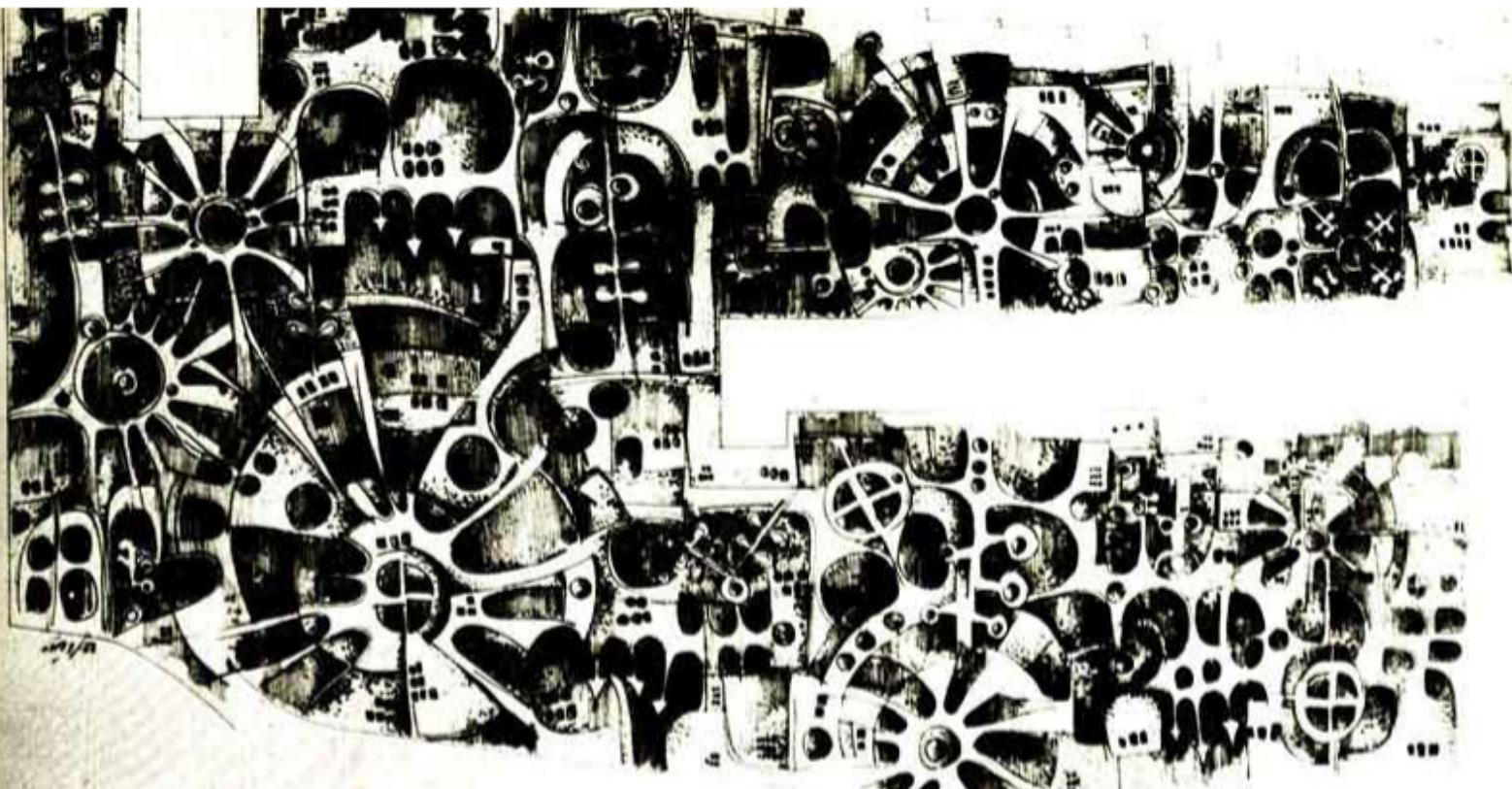
چند عکس از قصه‌ای مختلف سالن کنفرانس جمعیت شیر و خورشید سرخ.



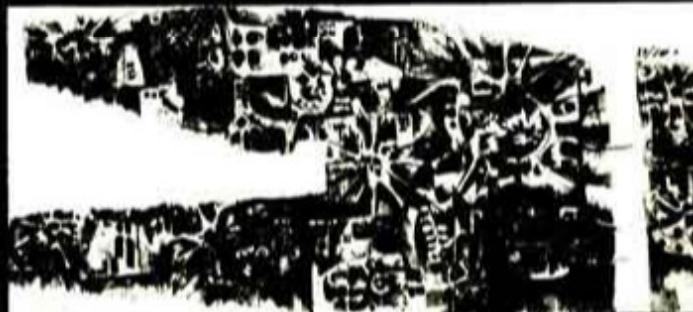


دوعکس از دیوار سالن کنفرانس

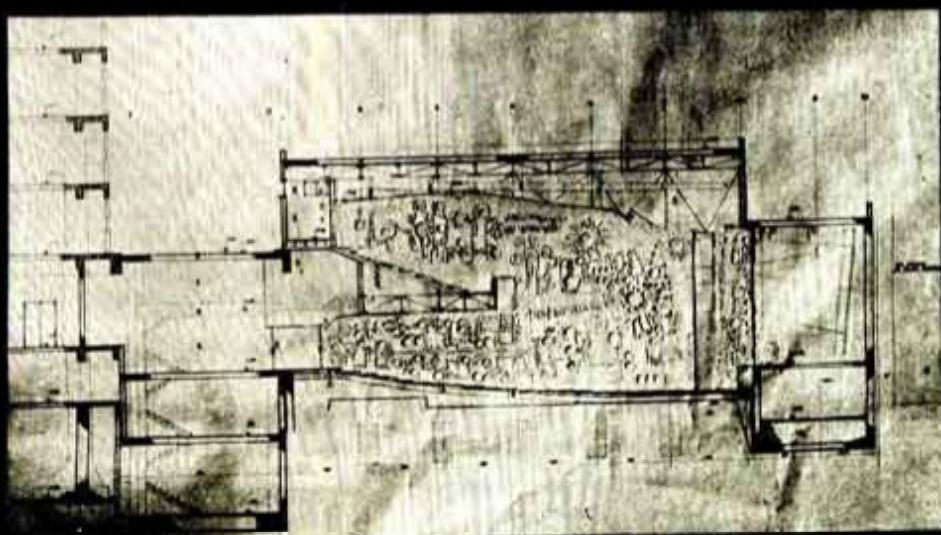




۱- اتوداولیه برای دیوار سالن کنفرانس شیر و خورشید که پذیرفته شد.



۳۹۳- چند اتود کنده کاری شده برای سالن کنفرانس  
که طرح ساختمان آن از مهندس آرشیتکت مقتدر  
است .



۸.۸ هنر و معماری

**GONBADE GHABOUSSE**

از : محمود توسلی  
دانشجوی دانشگاه تهران



**گنبد قابوس**

## گنبد قابوس

گرگان مربوط به پارسیان «طبرستان» میشود. هیرکانیا در همایگی پارت قرارداشت و پارت تقریباً خراسان امروزی بوده است. پارتها مانند همایگان ایرانی خود در غرب و جنوب ایران همه از نژاد آریائی بوده اند ولی درخون ایشان از نژاد مردم خزر وجود داشته است و این همخوئی شاهتی را در طول تاریخ در طرز فکر اجتماعی هردو نشان داده است.

بررسی حمله اعراب به ایران در ناحیه شمالی و خراسان احتیاج به تعمیق پیشتری نسبت پس ایرانی نقاط ایران دارد و از نوشته های تاریخی چنین بر می آید که اعراب یکندری توائیستند در ناحیه شمال ایران نفوذ کنند و ایرانیان در ناحیه شمال باسانی زیر تسلط خلفاً در نیامندند.

شادروان سید احمد کروی در یادداشت های که ازو در مقامه کتاب سید ظهیر الدین مرعشی نقش شده است میگوید: «اشاره ای که به تاریخ ایران آشنا هستند میدانند که قطعه طبرستان یا مازندران از نظر تاریخی اهمیت مخصوصی دارد و بواسطه داشتن کوه های بلند و جنگل های ابیه و راه های تنگ و باریک و سایر استحکامات طبیعی همواره محل توجه و پنهانگاه سران سر کش و اشخاص داعیه بپور و از اباب دعوت و سرچشم جریانات وحوادث مهم بوده ... طبرستان را همین امیاز بس که همه وقت در مقابل سبل هجوم اجانب از اسایر نقاط ایران پیش مقاومت ورزیده و بوج تسلط بیگانگان را دیگر تر به گردن خود پذیرفته است».

در سده های اول اسلام خصل و زبان پهلوی در ناحیه مازندران متداول بوده و سکه هایی که در این قسمت ضرب می شده دیرتر نوشته عربی بر آن قرار میگیرد و سالهای زیادی هنگامی که اعراب تمام نواحی ایران را گرفته بودند هنوز خط پهلوی زیست بخش هنر این سامان بوده است. و جسد خط پهلوی و کوفی بر قسم بالای بدنه برج لاجیم (سود کوه مازندران) که مربوط به دوران آل زیار در سال ۴۱۳ هـ میشود، دلیلی است روش بر حکومت ناقص و متر لول اعراب بر این قسم از ایران نزدیم.

سلسله آل زیار که در گرگان حکومت کردند بدست مرد آویزیا مرد آویزی فرزند زیار که از یک خانواده قدیمی گیلانی بود بنا نهاده شد. این سلسله در بازگرداندن ایران به شکوه و جلال دوره ساسانی کوشش فراوان نمودند.

فرزندان زیار از سال ۳۱۵ تا ۴۷۰ هجری بر نواحی شمالی ایران سلطنت کردند. مشهور ترین پادشاه این خاندان قابوس فرزند و شمشیر است.

CABOS تویسته ای زبردست و منفک بود، خوب میتوشت و خوش شعر میسرود و به زبان عرب تسلط تمام داشت. با تمام این احوال کتب تاریخی معتبر و قابوس نامه در حالی که از صفات پستدیده وی سخن می ازند اورا مردی تندخوا، آدمکش و سیاستداری افراطی معرفی می کنند که بی بروها به کشتن اطرافیان، غلامان و شکریانش فرمان میداده است. همین خصلت باعث شد که مردم ازوی روی گردانند و نسبت با او احساس تغیر کنند. تا اینکه سرانجام لشکریان براوشوریدند و اورا خلع و فرزندش منوچهر را که در آن زمان حاکم جزء بود به پادشاهی بسر گزیدند. لذا قابوس را به قلعه چناشک (قلعه ای در نزدیکی استرآباد) فرستادند. برخی از موذخین میتوینند که وی در آنجا از شدت سرمهلاک شد. پاره ای دیگر بر این عقیده اند که چون لشکریان

گذشته از اینکه آشنازی با تاریخ اجتماعی و هنر و موقعیت جغرافیائی ایران و خصوصیات اقلیمی شاخت معماری ایران قسمه ای را شامل میشود که هر یک بجای خود در ایجاد آثار با ارزشی که امروز بجا مانده است تأثیر داشته اند، مسائلی مانند بررسی نسبت و هندسه در معماری ایران، روش نسخون جزئیات فنون و تکنیک ساختمانی و زبانه کاری های بسیاری، مطالعه مصالح ورنگ اگر به همت فرزندان این مرز و بوم روش گردد، نتیجه عالیتر و بهتری خواهد داشت. چه ایشان بینتر میتوانند تأثیر آب و هوا و خلق و اندیشه مردمی را که در میان آنها زندگی میکنند بر ساخته ای از آن بفهمند و جزئیات آنرا روش نشانند. هم این خصوصیه ها علاوه بر اینکه از تکرار پیغایده عناصر معماری گذشته در حال حاضر آنهم بطور تابجا و بی تابع میگاهد. کوشش های را که در راه پیش بردن معماری میشود، بی نتیجه نمیگذارد. چه آنچه که بعنوان رموز ساختمانی و شکل و وظایف در معماری گذشته میتوان یافت چیزی است که برای تکوین و تکامل، فریها روی آن کار شده است و بنا به آن کردن تکنیک مدرن وی اعانتی بمنجر بیات گذشته و از طرف دیگر بکار بردن همان سنگ و آجر و رسیدن به تابعی که خود شاهد آن هستیم کاری از پیش تعبیر و د.

گنبد قابوس که در اینجا مورد مطالعه قرار گرفته است، یکی از شاهکارهای معماری ایران بعد از اسلام است که ارزش جهانی دارد، و با وجود قدیمی که این ارج نسبت به بر جهانی از این نوع دارد، سالمتر مانده است و این بیشتر بخاطر مصالح و شکل مقاوم و ترکیب قوی بناس است.

علاوه بر اینکه استفاده از متابع ذکر شده در آخر این نوشته راه شناسانی دقیق بنارا هموار نموده است. بازرسی دقیق بنا امکان ترسیم عناصر معرف برج را میسر نمود.

هدف اساسی از ترسیم مقطع و نمای، صرف نظر از اهمیتی که این دو جزء در معرفی بنا دارند، بودن به تنسیبات هندسی ارج بوده است که پس از صرف وقت فراوان ممکن گردید.

در ولایت استرآباد با گرگان امروز، دشت گرگان و در پهلهای و نقاط کوهستانی آن نشانه هایی بر ارزش از تمدنی کهن مربوط به دوره های پیش از اسلام و دوران اسلامی یافت میشود و در بعضی از خواری هایی که در طبقات باستانی عصر حجر شده کوزدهای قدیمی مربوط به هفت هزار سال پیش کشف شده است.

گذشته از جستجوهای باستانشناسی، روش نگار اوضاع زندگی و روابط اجتماعی مردم و فرم ازدواجی پادشاهان و امیرانی که بر این سر زمین حکومت کرده اند سفر نامه ها و کتابهای متعددی است که توسط محققین ایرانی و خارجی توشه شده است.

دشت گرگان نخستین جانی بود که مهاجمین آسیایی بدان قدم گذارده اند. این سر زمین بدان سبب که سر راه غار تگران و جنگجویان آسیایی که از شرق به غرب هجوم می اورده اند نهاده است، متحمل سختیها، ویرانیها و خاوهوشیها و کتابهای متعددی است که توسط ویووقت اقوام شمالی سبب میشده که مردم این ناحیه همیشه آماده دفاع باشند.

سابقه امکان بازگشت وی را برای انتقام میدانستند. از زندانی گردن او نیز هراس داشتند و برای اینکه خجالشان آسوده شود تابه‌نگام به خوابگاه او رفتند و اورا گشتند.

گبند قابوس که در این نوشه مورد مطالعه و پژوهش قرار گرفته است، با مر قابوس و در زمان حیات وی ساخته شده است. ده کتیبه به خط کوفی روشن کننده تاریخ و نام بانی بناست.

پیشتر تاریخ نویسان براین عقیده‌اند که قابوس این برج را از ابدا برای آرامگاه خود در نظر داشته، پاره‌ای دیگر چنین عقیده‌دارند که فکر او لیه ایجاد یک بنای یادبود بوده که در عین حال راهنمای کاروان‌ها در دشت‌گهرگان باشد و بعد از مرگ قابوس وی را در آنجا دفن کرده‌اند.

در عماری ایران به چنین بناهای معظم و کثیفه‌ای بنام «بل» که در حلول راهها برای تعیین مسیر کاروان‌ها احداث می‌شده است، زیاد بر میخواهیم. شکی نیست که گبند قابوس چنین وظیفه‌ای را حتماً دارا بوده است.

آندره گدار مینویسد: «... در هیچ جای بنا پله‌ای نیست که به بالاراه داشته باشد.» وی در جای دیگر با اشاره به حفريات روها در وسط برج نتیجه می‌گیرد که: «پس پیشود گفت که قابوس در زمین دفن نشده است.»

گدار در این بحث اشاره به ترکیب برج می‌کند و عدم دسترسی بی‌الارا در گذار خود پراهمیت جلوه میدهد و سرانجام می‌گیرد که: «پس ناگزیریم که گفته افسانه‌ای «جنایی» را باور کنیم که: کالبد قابوس در تابوتی بلورین قرار دارد و این تابوت بوسیله زنجیرهای در داخل گبند مقبره‌اش معلق است.

از طرف دیگر مشکل بنظر میرسد که قابوس اشیاء قیمتی را بسادگی روی زمین در داخل برج قرارداده باشد بطوری که فقط با یک در چوبی و احیاناً فلزی محافظت شود. رایینو در سفرنامه خود مینویسد:

«... در وسط کف برج یک سوراخ مستطیل شکل بوده که فعلاً بر از خالک است در آنجا بدون شک کالبد قابوس بن و شمشیر پادشاه جرجان قرار داشته که سنگ قبر آن مفقود شده است... یکی از سران گیلان به خال اینکه گنجی در زیر یام آن پنهان گرده‌اند، امر داد گردان گرد برج را خالی کنند و گویا فقط باشیدن عندر اینکه آن کار ممکن است موجب تلف شدن جان تمام عمله‌ها بشود از اجرای قسد و حشیانه خود چشم پوشید.»

در کتاب استرآباد نامه چنین آمده است: «... و ثانیاً مقبره قابوس بن و شمشیر موافق ثبت تواریخ نباید در این گبند بنشود ولی تا کنون آثاری از مقبره علی الظاهر پیدا شده و سوال پیش جهت کشف مقبره کف خالی گبند را یقین ۱۴ ذرع کنده‌اند چیزی معلوم نشده مایوس گشته، بر کرده‌اند ولیکن از قرار معلوم بعداً روشهای محrama نهان به مقبره پیدا کرده‌اند و اگر حقیقت داشته باشد البته چیزها و اشیاء نفیسه بدمست آورده و یا خواهد آورد.»

گبند قابوس بر بالای تپه‌ای که از زمینهای اطراف تقریباً ۱۵ متر بلندتر می‌باشد قرار گرفته است. آندره گدار مینویسد: «بلندی نمایان برج بلندی واقعی آن نیست چون تپه‌ای که برج روی آن بناسده تا حد زیادی مصنوعی جلوه می‌کند در سال ۱۸۹۹ روشهای تصویری را مینی بر اینکه زیر برج بلکه دخمه زیر زمینی وجود دارد ایجاد نمودند و برای

این این مدعای استوانه‌ای شکلی را در وسط کف برج تا عمق نقره‌ی ۱۴ آرشنین یعنی ۱۰/۷۵ متر فروکردند. در این عمق بی‌آجری همچنان ادامه داشت. در نتیجه روسها موفق نشدند که پایه اصلی بنای نیست سطح زمینهای اطراف پائین نراست دست یابند.»

شکل نمایان برج شامل قسمتهای ذیر است:

صفه ذیر که از سطح زمین ۱/۴۲ متر ارتفاع دارد. طرفه مخروطی که ده ترک بنای آن نشته است. بدنه بنا که از طرفی شکل دهنده فضای داخل برج است و از طرف دیگر در خارج بوسیله ده ترک بطور مساوی تقسیم شده است.

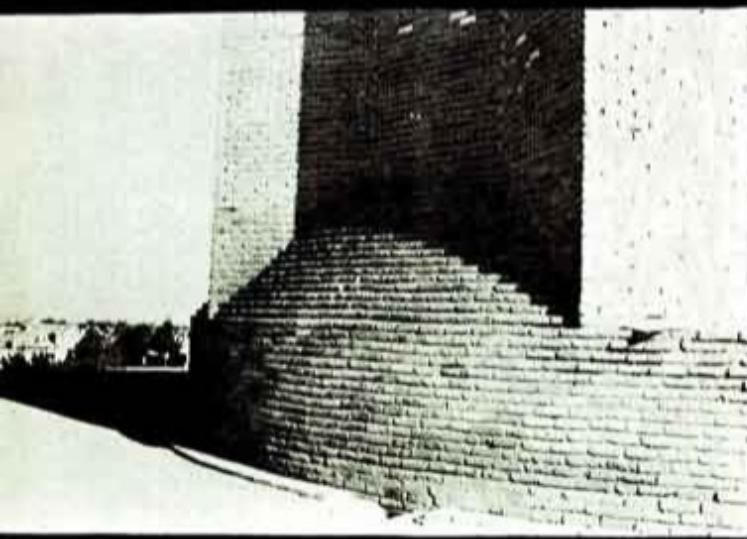
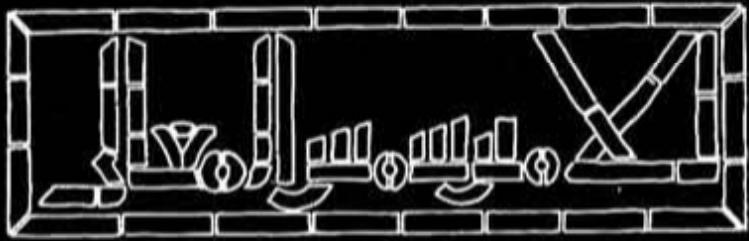
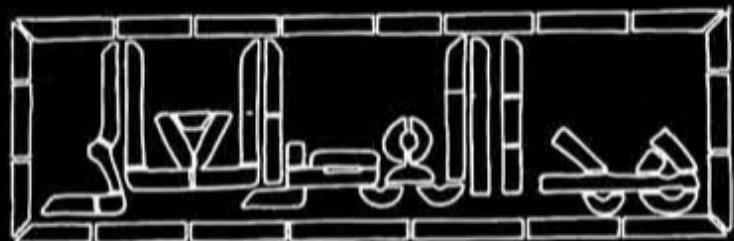
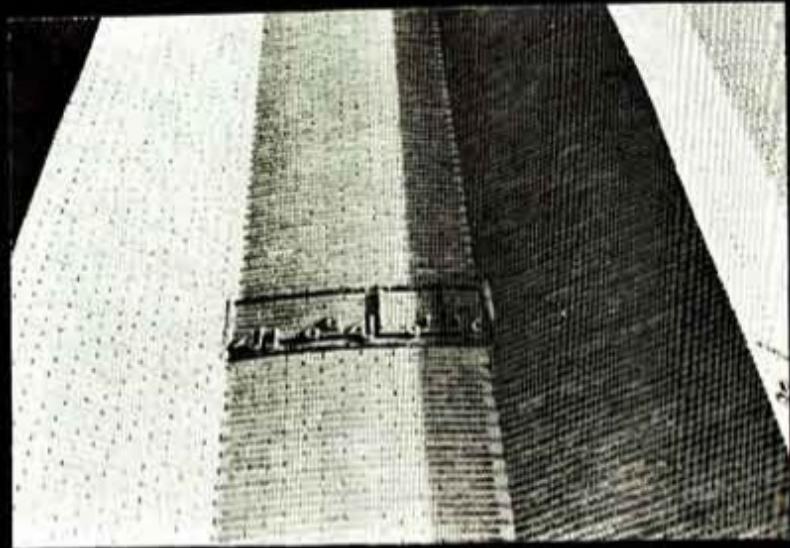
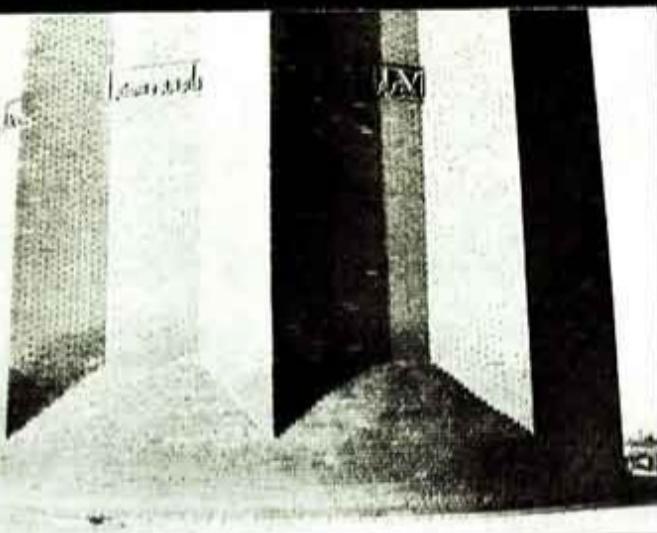
ترکها یا پشتینهای طره ذیرین را به طرزهای همانند در بالا می‌بنند و سرانجام بر فراز این همه کشیدگی بطرف بالا گشود مخروطی وزین، پرمعبنی و شکوهمند جای گرفته است. ذاوه ترکها قائم است این علاوه بر اینکه کار آجر کاری را ساده می‌کند بر مقاومت ترک تیز می‌افزاید. رویهای ترک شب و ذاوه مناسی نسبت به قسمتی از بدنه که مابین دو ترک محصور است پیدا می‌کنند و در نتیجه مجموع تورفتگی و برآمدگی دوجزه و درهای کلی ساختمان به چشم خوش آیند است.

ترکها علاوه بر داشتن دلیل ساختهای که بصورت شمع و پشتیانهای قوی بوده توده وزین برج را در میان میگیرند از لحاظ شکل نیز در خور تعمق می‌باشد. با این معنی که حالت کشیده‌ای به بدنه میدهند که آنرا به چشم خوش آیندتر مینمایند وهم این حالت نسبت زیانی را بین بدنه و مخروط گشود برقرار می‌کنند. در حالیکه اگر بدنه برج مخروطی ساده می‌بود، علاوه بر اینکه خصوصیات بالا ارزش‌کمندی پیدا می‌نمود، اشکالی نیز در طرز آجر کاری و صاف در آوردن بدنه مخروطی وجود داشت که این مسأله همواره معماران ایرانی را بر آن میداشته که سطوح صاف را بصورتی بشکند و یا تقسیم بندی نمایند تا هم ناصافی آن از بین برود وهم حالتها را که مورد نظر شان بوده بوجود آورند. در مقابل بر جی، مانند برج علاء الدین در رامین (۶۸۰) و میل رادکان قوچان (اوخر دوره سلجوقی، قرن ۶ه) و نمونهای پیشمار دیگر حالت یکنواختی بدنه خارجی را ازین برده‌اند.

ترکیب اجزاء بنا با هم استادانه است، و هر قدر که بیرون قسمت‌ها بهم بیشتر دقت شود قدرت اندیشه استاد معمار در بهمنستن اجزاء بنا بیشتر جلوه می‌کند. بطوری که هیأت کلی بنا یکپارچه بمنظور میرسد. ترکها چنین بمنظور میرسد که از زمین برخاسته و همانند پنجه‌های اکبیم؛ چنین احساس می‌شود که گشوده مخروطی بر طره بالائی وانهای از بالا مخروط گشوده را نگهداشته‌اند، واز بالا و پائین که نظر پائین و بدینوسیله بر صفحه مدور و بر زمین مینشینند. یعنی احساس سنتگینی از بالا بپائین با چشم به‌زمین دنبال می‌شود. حالت استحکام و حسن پایداری بنا معلوم همین طرز ترکیب قوی است.

برش افقی گشوده قابوس در بدنه ستاره‌ای است. این نوع بنایها که نقشه‌هایشان معمولاً به شکل مربع، چندضلعی منتظم یا ستاره‌ای و دایره می‌باشد در خاک ایران بخصوص ناجه شمال زیاد دیده می‌شود. گشوده این بنایها معمولاً هرمی با نشست مربع، چندضلعی منتظم و یا مخروطی است.

## عکس از قسمتهای مختلف گنبد قابوس



QUELQUES VUES DES DIFFÉRENTES PARTIES EXTÉRIEURES DU MONUMENT  
"GONBADE GHABOUSSE"

چنین بنظر میرسد که گبند هرمی ابتدائی ترین شکل گند پاشد و چون این گبند شکل قادر دارد، سبک این نوع ساختمان گبندرا قادری نامیده اند، و این عقیده برخی از محققین است که چون پیشتر این بناها مقبره هستند شا بهت بین چادری که انسان در آن زندگی میکرده و مقبره وی بعد از مرگش مورد علاقه او بوده است.

بنا بر گفته مهندس احمد حامی: «از لحاظ آسانی ساختمان و افزودن دهانه نشست، هرم از سه بر بچهار بر و سرانجام بدایر تبدیل یافته است و گبند هرمی به مخروطی تبدیل شده است. در این تکامل گبند هایی با دهانه تنگ ولی بلند دیده میشود. همینکه ساختن گبدهایی با دهانه گشاد آغاز شده برای آنکه بلندی مخروط زیاد نشود بر بدنه مخروط بست خارج شکم داده اند. کامل شده این شکل را در گبدهای دوره سلجوقی میتوان دید.»

گبند دو پوشی که نمونه هایی از آنرا در مقابر بر جی میبینیم در مطالعه گبند بخش پر اهمیتی را در بر میگیرد و میتوان گفت که اختراع آن نقطه عطفی در مسیر تکامل گبند به حساب می آید.

گبند دو پوشی، یکی از لحاظ دید انسان است باین معنی که از نمای گبند و ساقه ای آن طوری انتخاب میشده که متناسب با سایر قسمت های بنا بوده و از خارج دید خوب داشته باشد و به چشم ناظر خوش باید و در حالت منفرد و مجزا برای نمونه در گبند قابوس که یک پوشی است تناسب بین بدنه و مخروط گبند مورد نظر بوده است ولی در داخل وزیر گبند بخصوص در مقابر بر جی که از نمای گبند زیاد است چون حالت خواهد داشت و کم خیز بالا چشم خوش آیند تراست گبند دو پوشی معمول گردیده است. از طرفی، چون گبند بر بدنه و با ساقه ای استوانه ای بنا میشده برای آنکه دهانه استوانه تحمل فشار افقی را داشته باشد پوشش داخلی معمول شد و مقاومت گبند با وجود دو پوشش بعراقب پیشتر گردید.

گبند قابوس یک پوشی است و قسمتی از کلکتی زیر رأس مخروط که در مقطع بخش میخورد احساس میشود که خالی و پاپولک باشد یعنی بین آجرها هنگام چیدن فضای خالی باقی گذارده باشند.

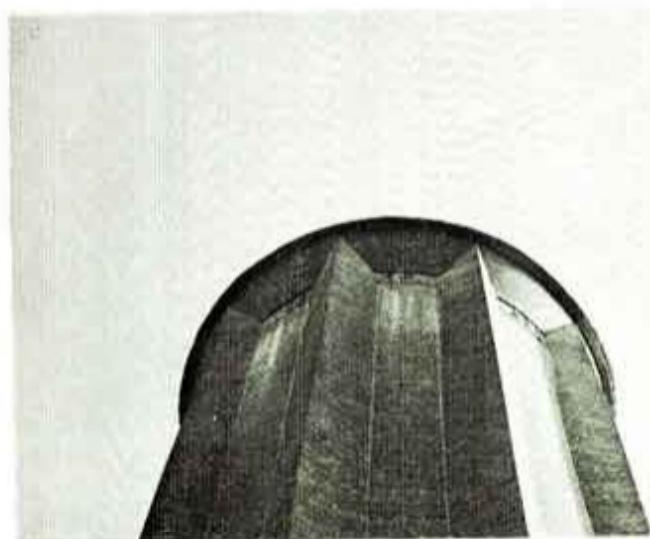
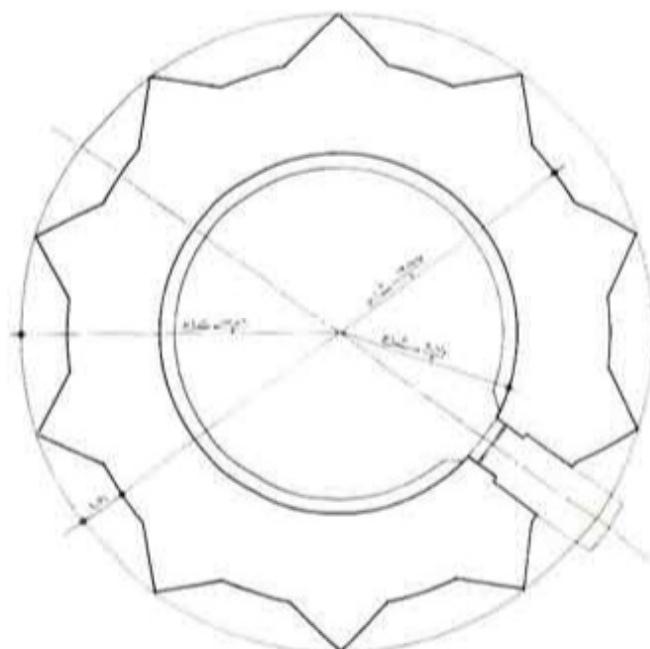
#### کتیبه های بنا

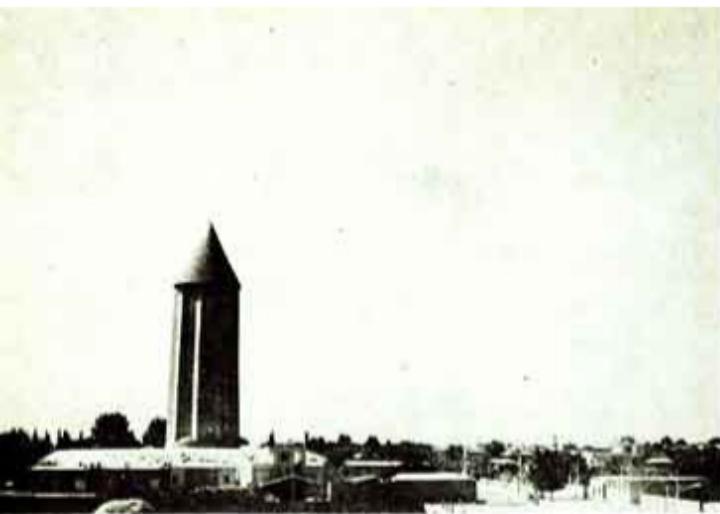
کتیبه ها در دو رشته یکی ۸ متر بالای سطح زمین و دیگر زیر طره پیش آمده بالا قرار دارد. نوع نوشته کوفی کتیبه ها ساده است حروف آن آرایشی ندارد. بر جسته و خوانا میباشند و حاشیه دور آنها قاب مستطیل شکلی است از آجر.

#### من کتیبه های بنا چنین است:

- ۱- يس الله الرحمن الرحيم  
(بنام خداوند بخشنده مهر بان)
- ۲- هذا القصر العالى  
(این است کاخ عالی)
- ۳- الامير شمس المعالى  
(امیر شمس معالی)
- ۴- الامير ابراهيم الامير  
(امیر فرزند امیر)
- ۵- قابوس ابن وشحشين  
(قابوس فرزند وشحشی)
- ۶- أمر به بنائه في حياته  
(فرمان داد به بنای آن در زندگی خویش)
- ۷- سنه سبع و تسعين  
(سال سیصد و نود و هفت قمری)
- ۸- وثلاثمائة قمرية  
(وسانه خمس و سیزده)
- ۹- وثلاثمائة شمسية  
(وسانه سیصد و هفتاد و پنج شمسی)

Dessin No 1 (1)





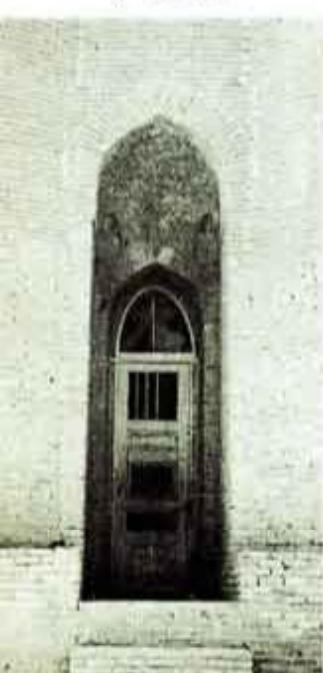
دورنمای گنبد قابوس



آجرکاری فسمت پائین برج

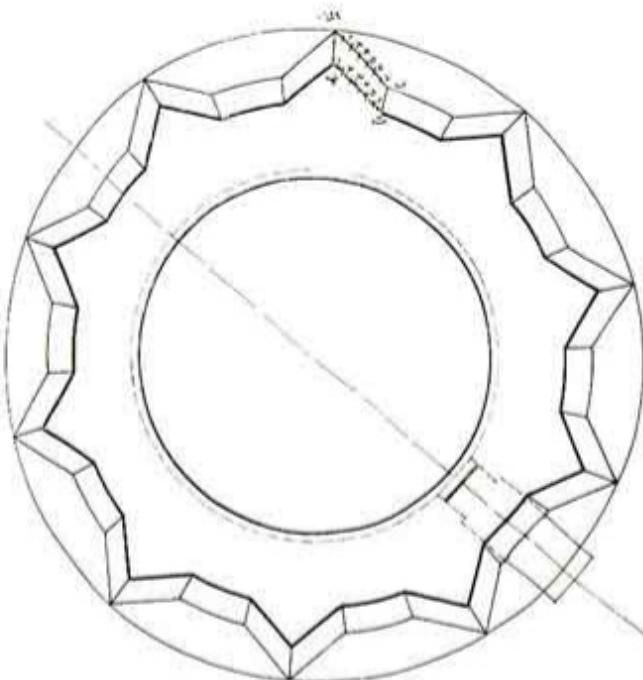


ورودی گنبد



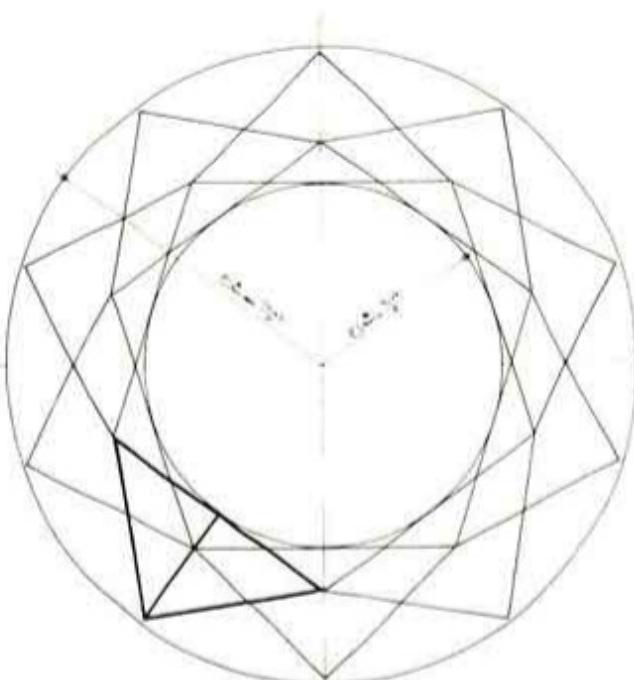
گنبد قابوس

آندره گدار مینویسد: «...کتبه‌های بنا یا موافقیت کمتری قرار نداشتند. حروف کوفی دارای حجم مناسب و روشی و برجستگی کافی و شکل قابل قبول می‌باشند و تزئینی هستند». اما واضح است که قابوس آرزویش در داشتن یک بنای عظیم و جاودائی این بوده که کتبه برج نیز مانند بقیه بنا بجای اینکه از گچ کنده شود مانند برج عربی را دکان که تقریباً همزمان با گنبد قابوس است از آجر باشد. و این نیز بدینه است که ساختن برج قابوس تختیین تجربه معمار آن بوده است. در نتیجه در این مورد خام دستی و بی‌مهارتی وجود دارد که نسبتاً ناچیز مجموعه را برهم می‌زند. درواقع شاید این نقص در اصل قابل رؤیت نباشد. هم برای خوانا نمودن متن کتبه و هم برای پنهان کردن معایب حروف آنها با روکشی از گچ پوشانده شده، هر چند که معمار بنا میدانسته که این روکش زود ازین می‌رود ..... بیشتر حروف اندود خود را از دست داده اند. خطوط مستقیم یا آجرهای مخصوصی که یکطریشان گرد شده است ساخته شده اند - خطوط منحنی نسبتاً از روی خام دستی تراشیده شده اند. و در محلیکه شب محو می‌شود حالت راست‌گوش دارند. طبیعتاً ترکیب این دو فرم نامتشابه و خام جلوه می‌کند و بطریز غریبی ابتدائی مینماید اما این حالت تو سط گچ تعییر و اصلاح شده است دستخط، نظر نموده ای که در این زمان در خراسان متداول بوده خوب در هم باقته و گل انداخته شده است. ولی نوشته با سختی بنا، سازگار و هم آهنگ است و نتیجه منطقی متوسطی را در بردارد.»



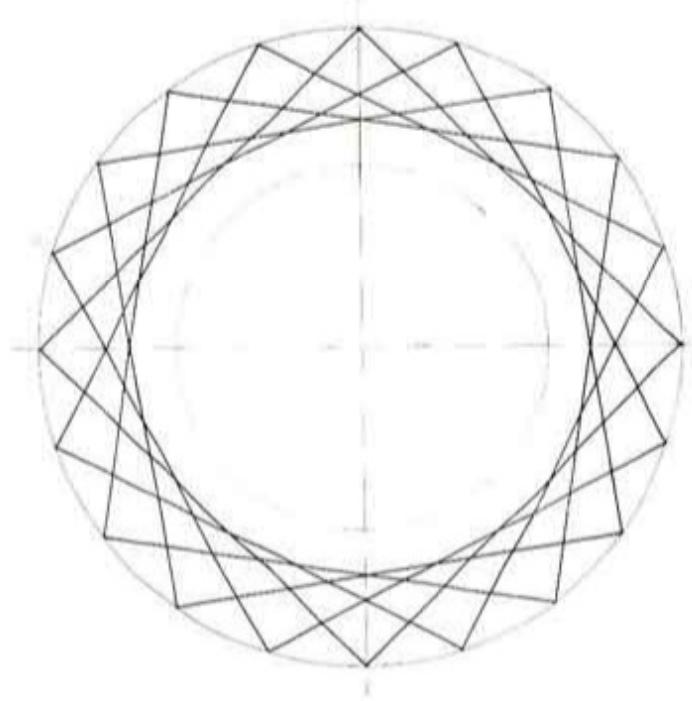
ترسیم شماره (۳)

Dessin No 3



ترسیم شماره (۲)

Dessin No 2



ترسیم شماره (۴)

Dessin No 4

بررسی قرار داده اند تصور نموده اند که کتبه کنونی متعلق بزمان اصلی ساختمان آرامگاه تعبیاشد و عده‌ای براین تصور این تکه را هم اضافه نموده اند که کتبه تاریخی ده پشتند آرامگاه دارای روکش ساروجی بوده که بمرور زمان ریخته و فاسد شده است و یا هنوزهم در روی بعضی از کلمات کتبه که کمتر در مقابل باران و آفات واقع شده ساروجی وجود دارد. لیکن با دقت و بررسی کافی و ممتدی که درباره این بنا شده است خالی از حقیقت بودن دو تصور بالا ثابت گردیده، در مرتبه اول کتبه کنونی متعلق به زمان بنا بوده است و بعلاوه دارای هیچگونه روکش ساروجی و یا روکش دیگری که موجب آن گردد نبوده و حتی علائمی هم در این زمینه دیده نمیشود.

اندودی که آندره گدار روی کلمات و حروف کتبه بدان اشاره میکند در حال حاضر در هیچ جای کتبه‌ها پچشم نمیخورد و حتی اثربنیست که بتوان گفت ازین رفته است و معلوم نیست گدار با دقت خاصی که در کار بررسی داشته. چگونه اسمی از روکش گنجی برده است.

نصرت اللہ مشکوکی مینویسد:

«садگی این کتبه که عاری از هر گونه پیرایه و تزئیناتی است، می‌رساند که تنها منظور بانی استحکام بنا و عظمت پیکره آن بوده است و توجهی به آرایش و تزئین آن نشده است. خطوط کتبه پا آجر ساده قرمز که روی آن سائیده شده بدون هیچگونه روکشی در درون قابهای آجری که با آجر تیمگرد ساخته اند جای گرفته است. خطوط کوکی ساده این کتبه دارای برجستگی بوده و در عین حال دارای یک نوع ظرافت تراش وزیانی متناسبی می‌باشد که از هرجهت با هیأت ساختمان عظیم آرامگاه متناسب بوده و مقایسه که برای تراش کلمات کتبه بکار برده اند دارای تناسب کامل با عظمت ساختمان است... تکرار دندزیر طره سیب شده که پس از خسرا ای یک پند کتبه از پند مکرر آن استفاده شود و بدین ترتیب برای همیشه من کتبه تاریخی پاس مکرر بودن آن حفظ و مخصوص همیشد. برخی از باستانشناسان که بنای گنبد قابوس را مورد

## روزنه

بررسی روزنه بر طاقهای گبند بحثی است جداگانه، فقط درمواردی مانند گبند قابوس که کاملاً فضای داخلی سته است و بجز در ورودی درپائین و روزنه کوچکی در بالا منفذ دیگری نیست، باید متوجه بود که عمل روزنه بالا هواکشی است و باید باز نگهداشته شود، متأسفانه گویا در تعمیرات گبند پایین توجه نشده و روزنه سته بنظر می‌آید، از طرفی درنتیجه سته در ورودی و محبوس نمودن فضای را کد در اثر تغییرات درجه حرارت محیط و نبودن جریان هوا و لایه های از عمیق بنا خواهد کاست.

باز بودن روزنه بطرف مشرق و آغاز سنه کتیبه‌ها از همین طرف، یعنی فرار از دادن کتیبه اول با متن «بسم الله الرحمن الرحيم» بطرف مشرق و در انتداد پائین روزنه درخور تعمق است. در حالیکه کتیبه دوم با متن «هذا القصر العالی» بالای ورودی واقع شده است.

## نزئین سردر ورودی

دو رشته مقرنس کاری طاق نیم گبند بالای سردر ورودی را در تبدیل باصلاح راستگوش ممکن می‌سازد، این مقرنس‌ها در عین سادگی در شمار نخستین مقرنس کاریهایی است که در بنای ایرانی بعد از اسلام دیده می‌شود و در مطالعه این نوع نزئین در معماری ایران اسلامی درخور اهمیت است.

## مصالحه بنای

گبند قابوس سراسراز آجر ساخته شده است. استادی معمار بنا در خلق الری که هم زیبا و هم مقاوم باشد و هرجزی از آن درحالیکه دلیل باصلاح راستگوش ممکن نیز خوش باید از طرفی، آجرهای محکم و یکدست بنا با تاب زیاد و جنس ملات، بی محکم و عمیق، بدنی کلفت با پشتینهای قوی سرانجام ایمان بکار، در طرح دیزی یک اثر پارچه و ماندنی از طرف دیگر، موجب پایداری شکفت انگیز این برج در برابر باد و باران، برف و یخ زدن و آثار سوزان و زلزله شده است. مصرف آجر بطرز چشمگیر در ساختهای با ارزش ایران باستان بهشتم می‌خورد. پلهای یشماد، مساجد بزرگ، کاروانسرایها و برجهای متعدد نشانه‌هایی هستند از شیوه دقیق و درست بکار بردن این ماده با ارزش ساختهایی. گبند قابوس نمونه ارزش‌نده‌ای است که در آن فن آجر کاری به بهترین وجهی نمایان است. آجرهایی که در این بنا بکار رفته شکلشان معمولی و یکسان است و بجز آجرهایی که در بدنه گبند مخروطی مورد استفاده واقع شده همه آجر معمولی است و فقط الک تفاوتی از لحاظ اندازه در برخی مشاهده می‌شود. آجرها خوب پخته شده‌اند و بملات خوب چسبیده‌اند و سخت، توپر و یکپارچه‌اند و اینها از خواص آجرخوب است که تاب زیاد دارد و در برابر نفوذ آب و یخ زدن پایدار است.

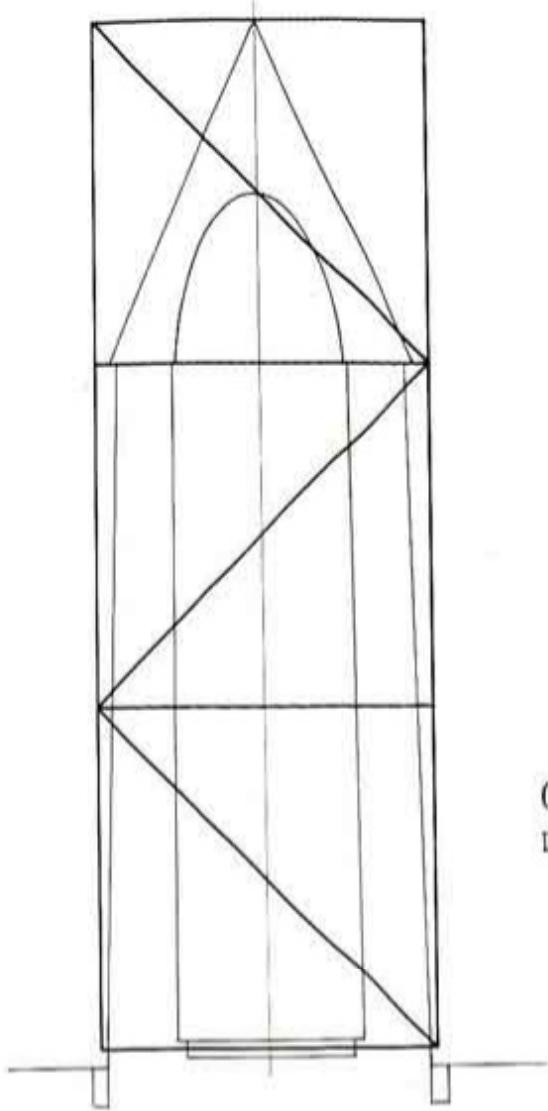
جزء دومی که مورد بحث قرار می‌گیرد روزنه‌ای است بر گبند مخروطی که بطرف مشرق تعییه شده است، این تنها منفذی است که از آن نور ضعیفی به زیر گبند مخروطی میرسد. بکمال این نور دیدن طاق گبند امکان پذیر نیست فقط سحر گاهان که خورشید طلوع می‌کند، لکه‌ای نورانی که از روزنه بطراف گبند می‌افتد بهتر از هر وقت دیگر اجازه میدهد که بالا دیده شود.

نظر گدار، درباره روزنه چنین است: روزنه کوچکی در جانب شرقی گبند تعییه گردیده بدون شک این روزنه برای کارگرها و حمل مصالح ساختمانی هنگامیکه خود گبند در دست ساختمان بسوه مورد استفاده قرار گرفته است؛ اما این روزنه میتوانست در آخرین دقایق موقعیکه قسمت خارجی گبند چیده شد گرفته شود، در این صورت آخرین کارگر به آسانی میتوانست خارج شود. ولی این روزنه نه تنها باز نگهداشته شده بلکه بدقت ساخته و پرداخته گردیده و این نشان میدهد که در مورد آن هدف دیگری دنبال نیشده است. شاید باست دیرینه ایجاد منفذ بر بدن روزنه چادر برای دخول اشعه خورشید بی ارتباط نبوده است. قابوس ب بدون شک تصریح کرده است که کالبد وی باید در معرض نخستین شعاعهای آفتاب سحر گاهان قرار گیرد. این موضوع دلیل قرار گرفتن روزنه را بطرف مشرق روش مینماید که دلیل دیگری نمیتوان بر این آورد.

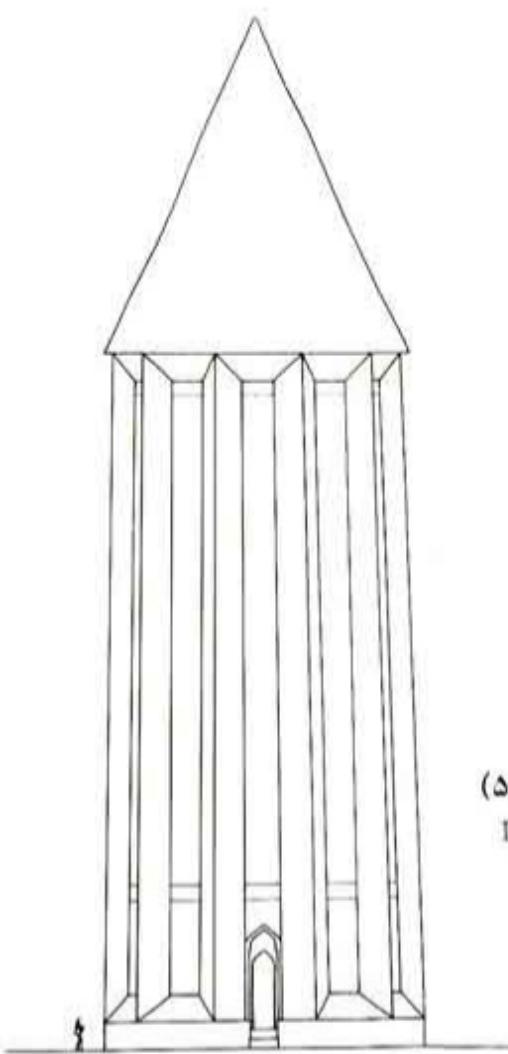
این روزنه که طاق آن از دو طرف (خارجی و داخلی) با آجرهای مخصوص قالبی که برای زدن طاق چشم ساخته شده، بدل از دو متر تمام و بهنای ۷۴، ۷۸ و ۸۰ سانتیمتر است (هر قلندر از پائین روپالا مبرود از بهنای روزنه کاسته می‌شود)، کف آن با آجر ساده بزرگ فرش شده و روی بدن دیوارهای روزنه و بروی سقف آن انودی از گچ و خاک که شاید بر نگ آین نزئین شده بقطور یک الى شش سانتیمتر (اندود چشم طاق) موجود است. ضمناً از فاصله مابین تیزه عقب روزنه (وصل به بدن داخلي گبند) و تیزه خارجی گبند که دو متر و ده تادومتر و پنج از بالا تا پائین قطعه دارد میتوان پسخامت و قطر قسمت سفلی و علیای گبند مخروطی بی برد و تها از همین روزنه شرقی است که روشانی درون گبند تأمین می‌شود.

بر بدن گبند در معماری ایران روزنه می‌گذاشته‌اند بعد این که شکل گبند کاملتر شد روزنه را در ساقه گبند تعییه نموده‌اند. مهمترین عملی که روزنه انجام میداده است هوایشی و روشنی رسانی بزیر گبند بوده است.

در گبند قابوس روزنه بر بدن گبند به نسبت تقریباً یک بر ابر از قاعده و سه بر ابر رأس مخروط گبند قرار گرفته است. چون از روزنه‌هایی که بر بام گبند تعییه می‌شده برف و باران بداخل می‌بارد، در نمونه‌های پیش‌رفته روزنه را بر ساقه گبند مینهاده‌اند. برای نمونه در برج رادکان گرگان که بعد از گبند قابوس و بفاصله کمی از آن ساخته شده روزنه را بر بدن گبند قرار داده‌اند.



ترسیم شماره (۶)



گرسیم شماره (۵)

2-17-8-9-3-4-2-10

سفت با آجرهای مخصوص ریشه‌دار می‌باشد در طرز ساختمان ذیر پدنه مخروط و آجرچیتی آن دقت مخصوصی بکاررفته است که در زیر گلوبی هر کدام از ریشه‌آجر بازودار پنج الی شش عدد آجر که بهنا، درازا و قطر آن  $25 \times 25$  و ۶ سانتی‌متر است قرار داده شده و این آجرها بر روی هم بواسطه ملات گنج متصل گردیده است. بعداً آجر ریشه‌دار را بر روی آن استوار ساخته‌اند.

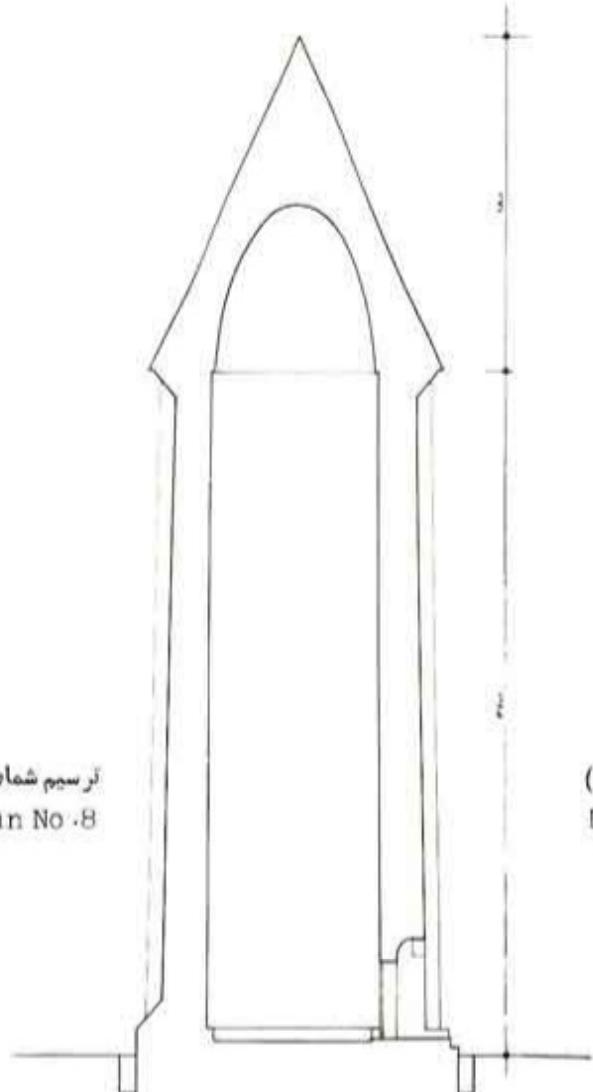
آندره گدار مینویسد:

«... خوبی مشکل است که یک سطح مخروطی را با آجر و پاندازه های تقریباً یکسان طوری که سزاوار اینچنین بنایی است پوشانیم. لذا معمار آجرهای کافی با شکل بخصوصی که بتواند تمام سقف را پوشاند، داشته است. یام بر ترتیب منطقی مخروطی است نه فرمی که حتی در مقابله آفتاب سوزان تاب برنداشته است، اتصالهای نامحسوس دارد و بقدرتی سخت است که بجز جایی که بظاهرفرض یا نازنگاهی روسها صدمه دیده است، علیرغم پرندگانی که همواره کوشش داشته اند در طول ۹۰۰ سال بران بچسبند بقدرتی صاف یا قیمانده است مثل اینکه از یک قطعه بزرگ تراشیده و صیقلی شده است. مسلماً از نقطه نظر فن ساختمان قسمت مخروطی زیباترین قسمت برج میباشد آجرها در مقابل شبیب تند با ملات سختی مسلح شده اند.»

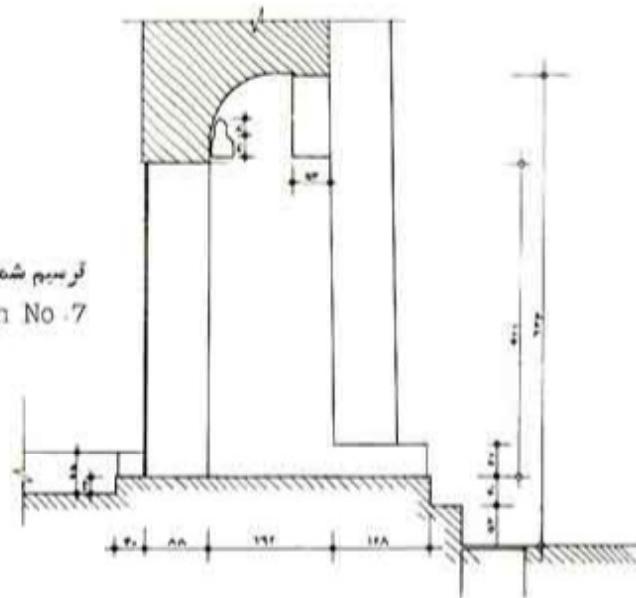
ملات - در بدنه برج حد متوسط کلفتی بندکشی ۲ سانتیمتر ولی در پایین آن ۴ سانتیمتر تغییر میکند و در بعضی نقاط به ۳/۵ الی ۴ سانتیمتر میرسد.

آفای مشکوتی مینویسد: «...ابن آجرها یشتر بشکل مربع  $25 \times 25 \times 6$  سانتیمتر و گاهی افلاع آنها از بیت و سه تا بیست و پنج و قطر آن از ۵ الی ۶ سانتیمتر متفاوت وزیاد و کم میشود و از نظر همواری و صافی و رنگ تمام‌آمیزکان بوده و مهارت متقدیان کار را میرساند.... آجرهای بدنه مخروطی دارای قالب و شکل مخصوص میباشد که با صلالح محلی آجر بازودار، یا ریشه‌دار نامیده میشود. این آجرهای بتنات دارای ریشه‌های مختلف و بدنه‌های متفاوت است و هر قدر از پائین رویalla میرود به نسبت خاصی از زیبادی ریشه و پهنا و درازی بدنه آن کسر میشود تا اینکه بفراز مخروط میرسد. ریشه آجرهای بالای طره و شروع قاعده مخروط پنجاه الی چهل هشت سانتیمتر میباشد. بدنه آجر آنها که روی مخروط را پوشانیده به درازای سی و پنج و پهنای ۲۵ سانتیمتر و بهمین ترتیب در اواسط بدنه مخروط ریشه آجرها به چهل، سی و شش و بیست و نه سانتیمتر تخفیف پیدا نموده است. بدنه آنها هم که قسمت وسطی مخروط را پوشانیده بصورت مربع درآمده و هر کدام به افلاع  $25 \times 30$  سانتیمتر میرسد، سپس از ارتفاع سه الی دو متر و تیم مانده بفراز مخروط، از ریشه آجرهای رأس مخروط به بیست و هشت الی بیست سانتیمتر رسیده، درازا و پهنای آجرهای روی مخروط به نوزده الی ده سانتیمتر متهی میشود، تا آنکه در فراز گبد یک آجر نوک تیز باستان می‌باشد. بدین ترتیب چون نوع پوشش مخروط

ترسیم شماره (۸)  
Dessin No. 8



ترسیم شماره (۷)  
Dossin No. 7



ملات آن بحث شده است حتی گفته شده که مرمره بمنظور میرسد، اما آن ملات ساده‌ای است که در مرکز ایران ساروج نامیده می‌شود و از آهک، ماسه و خاکستری که از تون حمام بدست آمده تهیه شده است.

#### اصول و تناسب هندسی گنبد قابوس

از توشهای قدیمی چنین بر می‌آید که برای ساختن کردن از ترسیمات و طرحهایی که قبل از تهیه می‌شده استفاده می‌نمودند و درباره فن ساختن و ریزه کاریهای بنائی و جزئیات پیشرفت بنا و نقشهای طرح ریزی شده توشهایی وجود داشته که متأسفانه پیش آنها از بین رفته است. با وجود این در لایالی کتب قدیمی به مطالعی در این مورد میتوان برخورد.

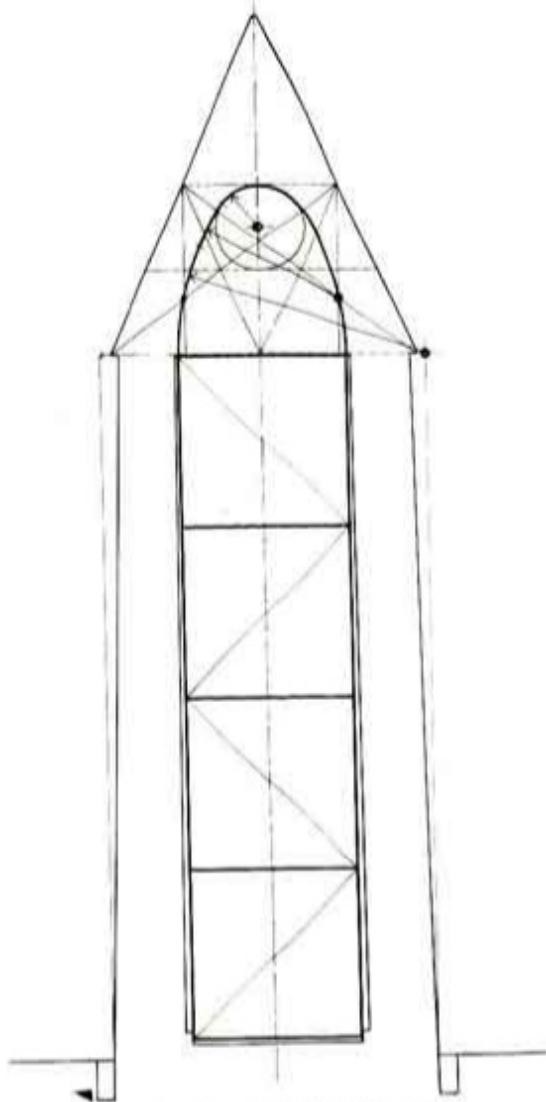
«این خلدون نویسنده مشهور شمال افریقا در ربیع آخر قرن چهاردهم می‌گوید که اطلاع بر مسائل هندسه برای معمار از واجبات بشمار می‌آید و آشنا نی با مقاطع مخروطی در هنرهای علمی مانند تجارتی و معماري مورد استفاده است، و برای بوجود آوردن اشکال کامل که پس از عمل با آنچه که در ذهن منصور می‌شود مطابقت داشته باشد باید از قوانین تناسب اطلاع داشت. از این منابع چنین میتوان نتیجه گرفت که آزمایشگاه دقیق ساختمانهای این قرون ممکن است آنکار سازد که تناسبهای هندسی در نقشه و مقطع عرضی و مقطع عمودی اینه وجود دارد.»

در خصوص ترکیب ملات گنبد قابوس بحث بسیار شده است و اختلاف عقایدی در آن مورد وجود دارد. در هر صورت این مقاله شاید بسادگی با تجزیه قسمتی از آن در آزمایشگاه روشن شود. بعضی از کارشناسان آنرا ساروج میدانند. این ملات در قدیم مصرف فراوان داشته و در آن دور آب ابزار، حوض، خزینه، حمام وغیره مورد استفاده واقع می‌شده. هنوز هم در بعضی از روستاهای استفاده می‌شود، یک نمونه را من هنگامی که تون حمامی را در قریه عین آباد، در جزیره همدان تعمیر می‌کردند دیدم. معمار دستور داد که از آشنان حمام خاکستر آوردن و بر احتی نسبتی از ماسه و خاکستر و آهک را گرفت و با هم مخلوط کرد و بدان لویی زد و با چوب په کوییدن و بهم زدن آن پرداخت، انگار که گرد زیلو میزداید.

مهندس احمد حامی می‌نویسد:

«ملات ساروج گندگیر است. آنرا ازور زدادن و کوییدن مخلوط کامل و همگن ۱۰ پیمانه گرد آهک شگفته باضافه ۷ پیمانه خاکستر الکی پافاوه یک پیمانه خاک رس، یک پیمانه ماسه بادی و ۳۰ تا ۵۰ کیلو گرم لوئی و آب می‌سازند. مخلوط کردن لویی (گل جگن) برای آنست که ملات ساروج پس از بمصرف رسیدن، هنگام گرفتن جمع نشود و نتر کند.»

از طرفی اظهار می‌شود که ملات بکار رفته در برج ممکن است کل آهک پاشد که به مردمان سنگ شده است گدار مینویسد: «در مورد



Dessin شماره (۹) No . ۹

### منابع:

- ۱- مقاله آندره گدار در کتاب: (جلد سوم) *A Survey Of Persian Art*
- ۲- سفر نامه راینسو، مازندران و استرآباد، مجموعه ایران شناسی - بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳- استرآباد نامه - پکوشش مسح ذیجی
- ۴- معماری اسلامی ایران - دوره ایلخانان (دونالدوبلیر) ترجمه دکتر عبدالله فربار.
- ۵- استفاده از گفته ها و نوشه های استاد مهندس احمد حامی.
- ۶- مقاله نصرت الله مشکوکی در مجله هنر و مردم شماره ۵۱.
- ۷- تاریخ طبرستان و رویان و مازندران تألیف میر سید ظهر الدین بن سید ناصر الدین مرعشی (۸۹۲-۸۱۵ق) به کوشش محمد حبیب تسبیحی.
- ۸- قایوس نامه، سعید نقیبی.
- ۹- هنر ایران - نوشه آندره گدار ترجمه دکتر بهروز حبیب.
- ۱۰- ایرانشهر جلد اول و دوم.
- ۱۱- تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم - مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.

در مورد تناسب هندسی در معماری ایران باید گفت که هنوز کاری اساسی انجام نشده است بجز دو سه مورد نسبت های طلائی شاهکارهای با ارزش در معماری ایران بر ما معلوم نیست - چهار طلاقی نیا سردد - نزدیکی کاشان از آثار اوائل دوره ساسانی در کتاب (هنر ایران نوشته گدار) و مقدمه اسماعیل سامانی در بخارا در کتاب «Persian Architecture» از لحاظ تناسب هندسی مورد مطالعه قرار گرفته است. مطالعی هم در سری مجموعه پوب و معماری اسلامی ایران بچشم می خورد که اهمیت هندسه و نسبت در معماری ایران را باید آور شده و به نسبت فوایل در بعضی از بنایها اشاره مینماید. «آناد متعدد روشنایی شامل کتابی بود تحت عنوان (کتاب الاحیاء والآثار). فصل یستم این کتاب مربوط بود به قواعد و اصولی که در ساختمان خانه و ابیه مقدس و قلعه و هر نوع ساختمان دیگر باید بیرونی شود. فصل بیست و پنجم کتاب حاوی اطلاعات مربوط باختن مقابر بود. متأسفانه از این کتاب حتی یک نسخه هم باقی نمانده است و هیچ گونه اثر دیگری مشابه آن و درباره این موضوع وجود ندارد.» هدف ما در اینجا گذشته از بررسی گبد قابوس و مطریح نمودن نظرات مختلف از قلم دانشمندان ایرانی و خارجی، روشن کردن تناسبات هندسی گبد بوده است. ایندا بی بردن بمقطع و ترسیم آن مطریح گردید که بزحمت از روی اندازه های که منابع موجود بدست میداد و بازرسی دقیق بنا و اندازه برداری از ارتفاعاتی که دسترسی بدان ساده بود، ممکن شد. سپس روش نمودن تناسبات هندسی با کوشش فراوان بصورتی که شرح آن در زیر آمده و ترسیم شده، عملی می گردید ترسیمات این نوشته که مربوط به نسبت های هندسی نقشه، نما و مقطع گبد قابوس می شود، نکات زیرا روشن مینماید:

- ۱- در نقشه بنا (ترسیم ۲)
  - ۱) اندازه گفته ترین قسم یعنی بدنه و ترک بر روی هم بر این با ارتفاع مثُل قائم الزاویه متساوی الساقین است که بر روی ضلع پنج ضلعی منتظم محیطی دایره داخلی با قطر  $۹/۷۰$  متر ساخته شود.
  - ۲) چون زاویه ترکها قائم است، لذا دیگر شکل خارجی که در نقشه بنا مشاهده می شود پیش از کم پنج مربع محاطی در دایره خارجی با قطر  $۸/۰۱۷$  متر مشخص گردد. (ترسیم ۳ و ۴)
  - ۳) نسبت بدنه برج به مخروط گبد در شکل خارجی دو به یک است. (ترسیم ۵ و ۶)
  - ۴) نسبت قطر دایره داخلی به ارتفاع قسمت بدنه در داخل برج یک به چهار است. در اینجا مخروط گبد به  $\frac{۱}{۴}$  مثُل متساوی تجزیه شده است و سقف تخم مرغی یا مرغانه بوسیله سه قوس در هر طرف که  $\frac{۱}{۴}$  مرکز از یک طرف مشخص گردیده و در نقاط معینی قرار میگیرد ترسیم شده است. (ترسیم ۶ و ۷)
  - در ترسیم شماره ۴ تقسیم بندی الف - ب نشان دهنده تعداد آجرهای یک رویه ترک است. در مقطع افقی محل برخورد بدنه باطره زیرین، تقسیم بندی پ - ت نشان دهنده تعداد آجر است. در مقطع افقی محل برخورد بدنه باطره بالا، اختلاف یک آجر باعث می شود که نقطه ب در بالا نسبت به نقطه الف در دوین تقریباً  $۸/۰$  سانتیمتر بطرف مورکز توپشید. از همین راه شبیه ملایم بدنه و ترک را در نما و مقطع میتوان بدلست آورد. در این ترسیم دایره خط چین قسمت داخلی برج در دوین با قطر  $۹/۷۰$  متر از است و دایره داخلی که بر است به مقطع افقی که از خط پ - ت میگذرد مربوط می شود.

# أخبار:

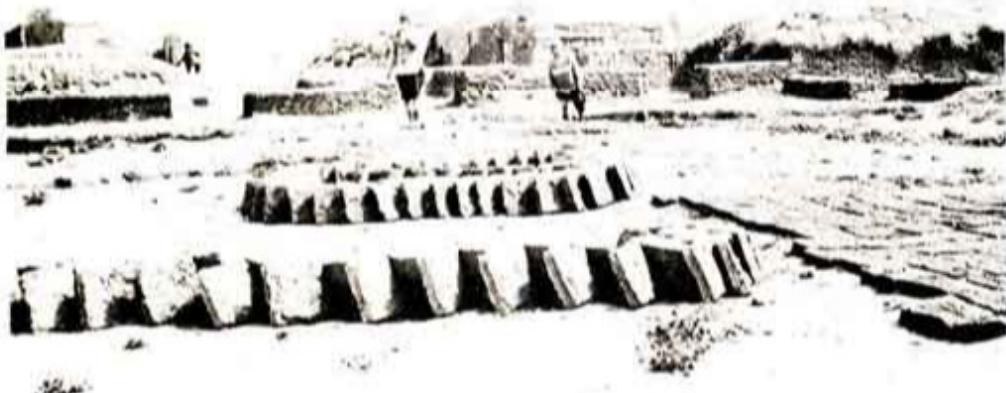
## دخالت در ساختمان‌های شهری

از طرف آقای سیحون بعرض علیاً حضرت رسید درحال حاضر بعضی از شهرها که قادر طرح جامع آن را لحاظ عمرانی اوضاع نابسامانی دارند و استانداران و فرمانداران باید عمران شهرها را با رعایت اسلوب معماري قدیمی و اصیل ایران و براساس ضوابط و معيارهای خاص معماري پمرحله اجرا در آورند در غیر این صورت معماري ایران یش از پیش از مسبر اصلی خود متصرف خواهد شد.

در شهر فیابی مذکور مسئلله تغییر چهره از خانه‌های شمالی ایران نیز مطرح شد و علیاً حضرت شهبانو با توجه باین امر که در منطقه شمالی بسیاری از خانه‌ها بهجای سفال با گالی بوش باحل بصورت شبروانی بروشیده‌اند، مقرر فرمودند که استفاده از گالی بوش با سفال در خانه‌های شمالی کشور بایداده باید تا سیماهی اصیل منطقه شمال حفظ گردد.

سپس از علیاً حضرت شهبانو استدعا شد که انجمن آرشینکهای ایران بروای برقراری یک نظام منطقی در عمران شهرها، در نحو، شکل پذیری معماری مملکت با تصویب مقررات خاصی، از طرف انجمن‌های شهر و شهرداریها مشارکت مؤثر داشته باشد و نیز بتصویب آئین نامه مربوط پامضا کنندگان ذیل نقشه‌های ساختمان از طریق انجمن‌های شهر و شهرداریها سهم واقعی خود را بست.

علاوه بر مستدعیات بالا، از پیشگاه علیاً حضرت شهبانو استدعا شد که انجمن آرشینکهای ایران از طریق مراجعت فایو نسی بر سمیت شناخته شود و نیز طریق‌های استثنای و خاص کشود از طریق انجمن آرشینکهای ایران به کنکور گذاشته شود.



دسترسی مفروض بصره است. و شرایطی بوجود می‌آورد که در مقابل تغییر آب و هوا مصنوبیت پیشتر ایجاد شود. خالکردس که خشت خام با آن ساخته می‌شود در بر ایران و عوامل دیگر طبیعی مقاومت زیادی دارد. بهلاوه وسیله‌ای است که باسانسی و در محل ساختمان ساخته می‌شود.

امید است این کارشناسان طی ۶ روز فعالیت و بحث و گفتگوی خود باهمیت این عنصر ساختمانی قدیمی را شناسانند، و ارزش آنرا در مقابل مصالح ساختمانی مدرن مانند سیمان، بتون و آهن و مصالح جدید دیگر تعیین نمایند. گزارش کاملی از فعالیت‌های اعضاء این مجمع در شماره آینده بنظر خواندن‌گان خواهد رسید.

قرار گرفت که در همین روز آقای امشی کندام کارشناس هلننی درباره حفاظت خشت خام با سایل شیمانی و آقای مهندس پیر نیا درباره مجموعه‌های معماري کرمان سخنرانی نمودند. آناری که در دهکده فهرج مورد بازدید قرار گرفت مربوط می‌شود به او آخر دوره ساسانی و اوایل دوره اسلامی. یکی از این آثار مسجد جامع بکاده در سال ۴۰ هجری ساخته شده و نشان دهنده تلقیق سک معماري ساسانی و اسلامی است.

اصولاً خشت خام از سایلی است که از دوران بسیار دور بدلاً بدنی و تکنیکی مورد استفاده ایرانیان قرار گرفته است. در حال حاضر نیز بیشتر ساختمان‌های دهکده‌ای با خشت خام ساخته می‌شود. چون این وسیله بخصوص از لحاظ هزینه و

## نخستین مجمع جهانی حفاظت خشت خام

روز چهارم آذر ماه امسال نخستین مجمع جهانی حفاظت خشت خام با شرکت پنجاه تن از بزرگترین کارشناسان معماري کشورهای جهان در یزد گشایش یافت. اولین جلسه این مجمع توسط آقای گازولا رئیس شورای بین‌المللی ایکوموز افتتاح شد و در این جلسه آقای محسن فروغی بسمت رئیس مجمع و آقای فیروز باقرزاده بسمت مدیر هیئت تحریر برای انتخاب شدند.

اولین محل بازدید شرکت کنندگان مجمع جهانی حفاظت خشت خام، قسمتی از نقاط پاستانی و تاریخی شهر یزد بود و روز بعد دهکده فهرج واقع در ۳۰ کیلومتری شمال شرقی یزد مورد بازدید

أخبار:



# خبر: اخبار

**مجتمع آموزشی کشور در جنوب شهر تهران**  
در محل یا خجی آباد واقع در جنوب ترین نقطه شهر تهران جدید ترین مجتمع آموزشی کشور در پیشگاه شاهنشاه آریامهر و علی‌حضرت فرج بهلوی گشایش یافت. این مجتمع دارای: دو کودکستان، دو دبستان، یک مدرسه راهنمائی تحصیلی و دو دیرستان می‌باشد. این مدارس مجهز به یک کتابخانه، تالار اجتماعات، بهداشتی و خدمات اجتماعی، دو آزمایشگاه فیزیک، دو آزمایشگاه شیمی یک آزمایشگاه علوم طبیعی، یک کارگاه آموزش زبان خارجی، دو سالن غذاخوری و یک آشپزخانه مجهز و زیستهای متعدد برای ورزش می‌باشد.  
این مجتمع برای نه هزار دانش آموز ساخته شده است.

است. از این مبلغ ۴/۲ میلیارد ریال سهم تهران ۲/۳ میلیارد ریال سهم شهر های بزرگ (آبادان، اصفهان، اهواز، تبریز، رشت، رضائیه، شیراز، قم، کرمانشاه، مشهد، همدان) و ۲/۲ میلیارد ریال متعلق به سایر مناطق شهری است.

طی همین سه ماه تعداد ۲۱۸۴۵ ساختمان جدید بازهای پیش‌بینی شده‌ای معادل ۱۰/۷ میلیارد ریال در مناطق شهری کشور شروع شد. که از این ارقام ۲۵۸۷ ساختمان جدید با ۶/۴ میلیارد ریال هزینه پیش‌بینی شده سهم تهران و ۶۴۸۳ ساختمان جدید با ۲/۹ میلیارد ریال مربوط به شهرهای بزرگ و بقیه مهندس ناصر بدیع دیرکل کنگره بین‌المللی معماران موضوع این سمپوزیوم (معماران امروز ایران) تعیین و اعلام شده که در رابطه با:

سمپوزیوم کنگره بین‌المللی  
معماری ایران

در شهریور ۴۹ تختین کنگره بین‌المللی معماری باشرکت گروهی از بر جسته‌ترین معماران بین‌المللی از طرف علی‌حضرت شهبانوی ایران در اصفهان گشایش یافت. این کنگره که تا ۲۸ شهریور ماه ۴۹ ادامه داشت قطعنامه‌ای صادر کرد که براساس آن مقرن گردیده‌م مساله سمپوزیوم معماری در ایران تشکیل گردد.

در اجرای تصمیمات کنگره دومین سمپوزیوم معماری ایران در دیماه سال جاری برگزار خواهد شد. از طرف آقای مهندس ناصر بدیع دیرکل کنگره بین‌المللی معماران امروز ایران (تعیین و اعلام شده که در رابطه با:

۱- پیشرفت تکنولوژی

۲- مسائل شهرسازی

۳- سیاست مسکن

موردن بحث و بررسی قرار خواهد گرفت و از گروهی از آرشیتکت‌های کشور ایز دعوت به عمل آمده تانظرات و تجارب شخصی خود را در یکی از زمینه‌های فوق بصورت رسالت تهیه و پذیرخانه کنگره ارسال نمایند.

مجله هنر و معماری در شماره‌های ۶ و ۷ جریان و موضوعات کنگره بین‌المللی را همراه با مصاحبه‌هایی که انجام گرفته بتصویل چاپ شده و در مرور سپوژیوم مذکور نیز موقع اقدام خواهد نمود.

## شهریور ماه ۱۳۵۱

در شهریور ماه ۱۳۵۱ شهرداری‌های نواحی مختلف تهران برای ۱۲۶۸ ساختمان جدید پروانه صادر کردند (۴/۲٪ کاهش نسبت به شهریور ماه سال گذشته) سطح کل زیربنای سرای این ساختمان‌ها رویهم ۴۲۲/۹ هزار مترمربع در نظر گرفته شده است.

در همین ماه برای ۱۳۰۳ ساختمان جدید بوسیله شهرداری‌های شهرهای بزرگ کشور پروانه صادر شده که سطح کل زیربنای در نظر گرفته شده برای این این ساختمان‌ها رویهم ۲۰۳/۳ هزار متر مربع است.

تعداد پروانه صادر شده در تهران بزرگ‌ترین شش ماه اول ۱۳۵۱-۱۳۵۰ بود که نسبت به رقم مشابه در شش ماهه اول ۱۳۵۰-۱۳۵۱ درصد افزایش دارد. در شش ماهه اول سال جاری شهرداری‌های سه شهر، مشهد، شیراز، اهواز بترتیب: با صدور ۳۵/۷ درصد ۱۳/۵ درصد و ۱۰/۲ درصد از کل پروانه‌های صادر شده در شهرهای بزرگ از نظر تعداد پروانه‌های صادر شده در رتبه اول تا سوم قرار داشتند.

بررسی آماری فعالیت‌های ساختمانی بخش خصوصی در مناطق شهری کشور طی سه ماهه اول سال ۱۳۵۱

طبق گزارش اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی ایران در سه ماهه اول سال ۱۳۵۱ بخش خصوصی مبلغ ۸/۷ میلیارد ریال از ساختمان‌های جدید مناطق شهری کشور سرمایه‌گذاری کرده که بقیمت جاری ۱۲/۸ درصد از رقم مشابه سه ماهه اول سال ۱۳۵۰ بیشتر

## کارو قازاریان

در آذرماه سال ۱۳۵۰ از میان رفت. و یاد بود سالگرد در گذشت وی را دوستان و خانواده‌اش گرامی داشتند و گردهم جمع شدند و ما نیز در اینجا خاطری تجدید و یادگارش پروردۀ دیلم وی را تحت عنوان «کاخ موسیقی» در شماره بعد مجله هنر و معماری چاپ می‌کنیم.



# نمایشگاهها:

نمایش آثار ویکتور وازارلی  
مهرماه امسال نمایشگاهی از آثار  
ویکتور وازارلی نقاش و طراح معروف  
غرب در تالار قندیز تشکیل یافت. در  
شماره گذشته مجله قسمتی از آثار  
وزنده‌گی این هرمند را چسب نمودیم  
اینک قسمتی از سخنان خود وی را که  
در بروشور نمایشگاه آمده نقل می‌کنیم:  
«ما تعادلی را که می‌خواست از  
شهر پکریزد دوباره به آن بازمی‌گردانیم،  
نمونه انسان مبتکری که همیشه بیش می-  
رود، فنون توین، شهرهای جدید، جاده-  
های وسیع، اتوپلی... می‌آفریند. این  
انسان حساب همه امور را تگاه نمی‌بارد  
و لحظه‌ای فراموش نمود که آگاهی می‌باید  
چاره‌ای برای خدمتهاشی منج از این  
پویایی بیابد و خوشبختانه هرمندی در  
کارهست که بدان بیندیشد، راه حل‌هایی  
پیدا کند و سرزی مطرح سازد. هرمند  
پیکوئی شاعر بزرگ حقیقت است.»

## در گالری مس

به مناسبت پنجمین جشن فرهنگ و هنر،  
گالری مس آثار طراحی مرتفی راز فر  
را بنمایش گذاشت. این نمایشگاه از  
تاریخ ۲۱ آبانماه بعدت یکهنه ادامه  
داشت.

نمایش آثار مصطفی اصلیر  
خانه آفتاب، در آبانماه سال  
چاری ۵۷ تابلو از آثار کنده کاری  
و طراحی «مصطفی اصلیر» هرمند ترک  
را بنمایش گذاشت. «مصطفی اصلیر در  
سال ۱۹۲۶ در «قرچعلی» ترکیه متولد  
شد و تحصیلات خود را در رشته‌های  
طراحی و هنرهای گرافیک در آسکارا،  
موبیخ و اشتوتگارت گذرانده است.  
چندین نمایشگاه انفرادی و جمعی از  
آثار وی در کشورهای مختلف جهان  
برگزار شده و قسمتی از آثار وی نیز قبل  
در نمایشگاه مشترک ایران - پاکستان -

ترکیه سال ۱۹۶۶ در تهران بنمایش  
گذاشته شده بود.

مصطفی اصلیر فعلاً مدیر آکادمی  
هنرهای عملی ترکیه است و تدریس در  
بخش طرح گرافیک در آکادمی مزبور  
اشغال دارد.

نمایشگاه هنر معاصر ایران  
در حاشیه جشن فرهنگ و هنر،  
آبانماه ۱۳۵۱، نمایشگاهی از آثار  
۴۷ هرمند معاصر، باهکاری گالریهای هنری  
تهران تشکیل شد. آثار این هرمندان در  
تالار موza ایران باستان بنمایش گذاشته  
شده بود.

# فمایشگاهها:

# تازه‌های صنعت و معماری

## مادورا بیک مصالح جدید

بیک شرکت تولیدی در فرانسه برای اولین بار مصالح جدیدی را بنام «مادورا» در معرض تماشای خبرنگاران جراید قرار داد. این مصالح جدید بیک پوشش مخصوص است بوزن سه کیلو ۳۷۰ گرم در متر مربع و حاضر برای استفاده به عرض ۱ متر و سخامت ۲ میلیمتر و مرکب از فیبر پولیستر با درجه عایق بودن و مقاومت شدید.

مادورا در برای حرارت ۱۵۰ درجه واسیدها و بازها و محلولهای ارگانیک مقاومت میکند و غیر قابل تغییر شکل میباشد اما محنتات عمده آن ضد صدا بودن و عایق بودن آن وقابلیت جذب ۵۰ درصد از انرژی صوتی میباشد همچنین قشری از هوادر جدار این مصالح جدید محبوب گردیده است (با ضریب هادی حرارت ۴٪ کیلو کالری ساعت در متر مربع) لازم بتنذر کر است که مادورا طوری عمل آورده شده است که ضدگرد و خالک میباشد.

این مصالح موفقیت زیادی در ساختمنهای دفاتر و هتل کب خواهد کرد.



## استفاده از اسکاج تیست

مدتها بود که داشتمدان در صدد بودند از ارات مضره تشبعات آفتاب را در اماکن مسکونی و منجمله دفاتر و کارخانه ها، و کلاسها درس و رستورانها و بیمارستانها وغیره از میان برداشتند. برای مقابله با حرارت شدید اطاقها و خیرگی چشم ناشی از نور، شعاع دید و باختنگی رنگ تزئینات داخلی تنها از روشهای معمولی و آنهم بطور سطحی استفاده میشد و کارگذاشتن خسیر یا سایه بند مشکلانی در برداشت و همین طور استفاده از شیشه های رنگی جهت بارزه با خیرگی چشم کاری از پیش نمیرد. معماری مدن که اغلب اوقات از وجود پنجره در ساختمانهای مرتفع استفاده میکند متازم روشنی بوده که امکان دهنده انعکاس شدید تشبعان آفتاب بدون دخلات عایق کاری یا انحراف دید باشد. اسکاج تیست جوابگوی این احتیاج است. این ماده از عناصر زیر ترکیب یافته است: بیک پایه از جنس پولیستر. آلومینیوم تبخیر شده در خلاء - چسب.

عناصر اصلی عبارتند از فیلمهای A ۳۳ و A ۱۸ یعنی فیلمهای شفاف بر رنگ خاکستری آبی که روی شیشه پنجره صاف گذاشته میشود. عناصر دیگری نظیر ۳۰ V و ۵۰ W که فیلم هایی عایق و شفاف هستند نیز وجود دارد که امکان دید را از میان بردازند اما تر آفتاب را از خود عبور میدهند. این عناصر شامل بیک سیستم چفت و بست دوطرفه است که میتواند روی اکثر شیشه های مصنوعی و پلاستیک نصب شود. دو فیلم جدید نیز مورد مطالعه بیشتری قرار گرفته است تا بتوان احتیاجات را در زمینه های مختلف رفع نمود. این فیلمها عبارتند از A ۱۸ و P ۳۳ که با فیلمهای A فرق دارند و دارای سیستم چفت و بست مقاومت میباشد. مزایای این فیلمها نسبت بفیلمهای A درین است که میتوان آنها را روی شیشه های مشجر و نیز روی بعضی پلاستیکها و شیشه های مصنوعی بکار بردن.



## کامبیز درم بخش

آذمه سال جاری تماشگاهی از آثار کامبیز درم بخش، کاریکاتوریست هنرمند در تالار قلندریز ترتیب یافت.

درم بخش باطری هایی که اینروزها از او در مطلعات پچاپ میزد، نام آشناست است. در اینجا بهتر است چند جمله از نوشته های در بازه درم بخش را نقل کنیم: «... کامبیز در آثاری که تماشگاه حاضر بخشی از آن است، همواره از خط

مرزی عبور میکند. مرزین ظرافت و خشونت، خطی بین آنچه که بومی است و آنچه که میتواند جهانی باشد، خط بین هجو و مدارا...»

او با بندبازی از این مرز خط ناک میگذرد و حاصل کار خوشایند است و آگاهی دهنده. در این دنیا پراز تناقض، کامبیز نقاد غم انگیز میگستراند. او شادخواری حاکمان و فلکت محاکومان، درهم آمیختگی آزمدندان و بی نیازان را بر احتی نصویر میکند. داستانهای غریبی میگوید که درورای قهقهه، صدای هن حقی می آید...»